

«...دعواهای ما دعوی نیست که برای خدا باشد ... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما برای خدا است ما برای مصالح اسلامی دعوا می‌کنیم... دعوی من و شما و همه کسانی که دعوا می‌کنند همه برای خودشان است...»

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



اهل سنت و حب سید الشهدا

سال سی و نهم ♦ شماره ۱۲ ♦ شماره مسلسل ۱۵۷۸ ♦ نیمه دوم شهریور ماه ۱۳۹۷ ♦ قیمت: ۵۰۰ تومان

درگذشت شیخ محمود عاشور معمار معاصر تقرب در قاهره

سید هادی خسروشاهی



... حوادث روزگار، نهاد ارزشمند تقرب بین مذاهب اسلامی در قاهره را، که توسط شخصیت‌های برجسته مصری به ویژه علمای گرانقدر الازهر، تأسیس شده بود و نقش فعالی در این زمینه داشت، به تدریج فرسوده ساخت و با درگذشت بانیان اصلی و چندین نفر از علمای معروف الازهر، از ادامه کار بازماند...

در همین رابطه، شیخ محمد تقی قمی، عالم شیعی ایرانی که صاحب اصلی اندیشه تقرب بود و با پشتیبانی مرجع عالی قدر وقت، آیت الله سید حسین بروجردی، در مصر به فعالیت پرداخته بود، مجبور به ترک قاهره گردید و به طور موقت در «پاریس» رحل اقامت افکند...

پس از دیداری که اینجانب در پاریس با وی داشتم، او از خاموش شدن شعله تقرب، به شدت اندوهگین بود و بسیار علاقه داشت که سفری به ایران داشته باشد و پس از موافقت مسئولین، به قاهره برگردد و به امر تقرب سرو سامان بدهد... گرچه می‌دانست با توجه به شرایط سیاسی مصر و روابط غیر عادی آن با ایران اسلامی، این امر بسیار سخت و پیچیده خواهد بود...

من دیدار او از ایران را موقوف به مشورت با مسئولین ایران اسلامی کردم و در این زمینه توسط مجمع جهانی تقرب بین مذاهب اسلامی ایران که توسط مرحوم آیت الله واعظ زاده خراسانی اداره می‌شد، اقدامی به عمل آوردم و من در «واتیکان» در انتظار پاسخ مثبت تهران بودم که متأسفانه طبق روش معمولی و اداری، دریافت پاسخ مدت مدیدی طول کشید و شیخ قمی که شاید چندین بار در هفته، با تماس تلفنی در انتظار پاسخ ما بود، در ضمن یک پیاده روی روزانه، به طور مشکوک در یکی از خیابان‌های پاریس، زیر یک کامیون فرانسوی رفت و درگذشت و آرزوی او به تحقق نرسید...

... روزگار سپری شد و اینجانب به عنوان مسئول کادر سیاسی ایران اسلامی در قاهره، عازم مصر شدم و ضمن انجام وظایف، با چند شخصیت معروف باقیمانده الازهر و هوادار تقرب، ملاقات کردم تا بلکه آنها نهاد ارزشمند تقرب را مجدداً بازسازی و احیا کنند... در این رابطه حضور آقای عبدالله قمی، فرزند دوم شیخ قمی، در قاهره، کار را آسان می‌نمود چرا که طبق قانون مصری، مسئولیت اداره هر نهاد، حزب یا روزنامه و مجله‌ای، پس از فوت مؤسس و بنیانگذار آنها، به طور طبیعی به فرزند او واگذار می‌شود و نیازی به درخواست مجوز جدید ندارد...

... دیدارها با عبدالله قمی تکرار می‌شد و یک بار در دیداری با وی، در منزل پدری، با انبوهی از مجلدات تفسیر نفیس «مجمع البیان» روبه‌رو شدم که تجلید و صحافی نشده، در انباری نگهداری می‌شد...

این تفسیر در دوره فعالیت دارالتقرب به همت شیخ قمی و با مقدمه‌ای از شیخ الازهر، به چاپ رسیده و توزیع شده بود و نسخه‌های باقیمانده، بدون جلد، در انبار محفوظ مانده بود که من با بودجه نمایندگی آنها را خریداری نموده به صحافی فرستادم که به شکل نفیسی تجلید شد و توسط نمایندگی و آقای عبدالله قمی بین علمای الازهر و بزرگان علمی مصر که به هنگام چاپ اول، در صحنه نبوده و دوره ده جلدی این تفسیر را دریافت نکرده بودند، توزیع شد و مجموعه‌هایی هم به کتابخانه‌های عمده مصری اهداء گردید...

... در سفری که آیت الله تسخیری برای شرکت در کنفرانس اسلامی قاهره، به مصر سفر کرده بود، پیشنهاد کردم که با همکاری مجمع تقرب تهران، دارالتقرب قاهره را احیا کنیم و ایشان با مسرت این پیشنهاد را پذیرفت و در این رابطه، جلساتی با عبدالله قمی و شرکت یکی دو نفر از علمای الازهر، از جمله شیخ محمود عاشور، که قائم مقام شیخ الازهر، سید محمد طنطاوی شده بود، تشکیل شد و قرار گذاشته شد که شیخ عاشور پس از موافقت شیخ الازهر، به عنوان دبیر کل دارالتقرب قاهره، با همکاری ما فعالیت آن نهاد را آغاز کند و ما هم برای نشر فصلنامه ارزشمند «رسالة الاسلام» ارگان رسمی دارالتقرب، که پانزده سال تمام قبلاً منتشر شده بود، همکاری داشته باشیم...

ادامه در صفحه ۴

حجت الاسلام والمسلمین مهدی مروی:

حجت الاسلام والمسلمین مروی:

مدرک‌گرایی
مشکل امروز
حوزه‌های
علمیه است



صفحه ۳

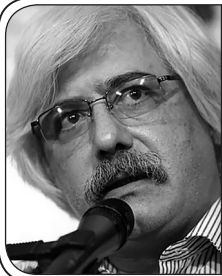
اگر قیام
سیدالشهدا نبود
اسلام ناب محمدی
از بین می‌رفت



صفحه ۲

سید مهدی شجاعی:

بی‌قیدی دامان
روایت از حقایق
دینی و آئینی را
گرفته است



صفحه ۳



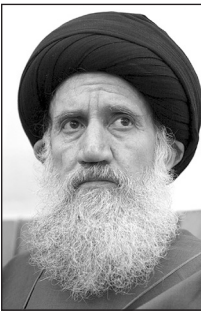
فارغ التحصیلان دانشگاه مذاهب اسلامی
مروجان تقرب بین مذاهب

صفحه ۷

استاد فاطمی‌نیا:

برخی سخنرانان دزد فضائل هستند؛ مگر این صداوسیما دروپیکر ندارد؟!!

محدث نبوده! محدث شدن یک رشته جدا است و این کتاب قطعاً درجه سه است! یک کتاب دیگر که می‌گویند الفضائل لابن شاذان است، این کتاب هم معتبر نیست و لوق و تق است، چون با یک کتاب فضائل دیگر قاطی شده است. علامه مجلسی هم در اول بهار می‌گوید این کتاب در نزد ما معتبر نیست. کتاب سومی را هم که به عنوان سند می‌گویند مناقب ابن شهر آشوب است، این را هم زیاد به رخ می‌کشند. ولی یک چیز را می‌دانند و خیلی چیزها را نمی‌دانند. ابن شهر آشوب آدم بزرگی بوده است، اما مناقب کتاب مضطرب است. آشوب آقا بزرگ می‌گویند مناقب بار شتر بوده و یک نفر نمی‌توانسته بلندش کند که احتمالاً یا با خط بزرگ بر روی ورق‌های ضخیم نوشته شده بوده (البته شوخی می‌کند) یا هر چه بوده اینی که در دست ماست، نبوده. این مناقب که در دست ما است یک خلاصه مترازی است. آشوب آقا بزرگ می‌گوید قطعاً این کتاب ناقص است.



ایشان در ادامه بیان داشت: «اصلاً کتاب درجه یک هم این حرف را بزند نباید باور کرد، ما یک اصولی داریم، اصل این است که حضرت فاطمه (س)، معصومه نبوده‌اند حال هر چیزی را که با این تناقض دارد، باید کنار گذاشت. حضرت زهرا بی که مادر حسنین (ع) و مادر امام زمان (عج) است می‌آید با امیرالمومنین (ع) مفاخره کند؟! که تو امیرالمومنین هستی و منم کسی هستم برای خودم و آخر سر هم پیامبر باید بیاید بگوید فاطمه بس کن و برو سر علی را ببوس و او هم آمده و عذرخواهی کرده است! آخه آشوب شما برای این حضرت زهرا فاطمیه می‌گیرید. این خانم معصومه و مطهره است و ملائکه برایشان نازل می‌شوند. این شیوخ چه جواب خدا را خواهند داد؟!»

استاد فاطمی‌نیا در ادامه با اشاره به لزوم تخصص در علم الحدیث برای تشخیص احادیث معتبر گفت: «در بعضی از موارد کتاب‌های بزرگانی، همچون شیخ صدوق هم، علما گاه تأمل می‌کنند و می‌گویند شاید کسی بعداً مطلبی را اضافه کرده یا شاید ناسخ خیانت کرده است! آقا، وحی منزل که نیست! کتاب شناسی یک علم است. چطور پزشکی، علم است! کتاب شناسی هم، علم است. به خدا قسم، خدایا تو شاهدی من انا رجل نمی‌کنم، ولی به خدا کتاب‌شناسی زمان می‌برد، منظور شناخت اسم کتاب نیست، منظور موضوع شناسی است!

ادامه در صفحه ۳

استاد فاطمی‌نیا در سخنانی با اعتراض شدید به صداوسیما به خاطر دعوت از برخی روحانیون که آن‌ها را «دزد فضائل» نامید، گفت: «من نمی‌دانم این صدا و سیما دروپیکر ندارد؟! به امام سجاد قسم من دلم خون است از بعضی‌ها که صدا و سیما آن‌ها را می‌آورد. این‌ها نه تنها مردم را هدایت نمی‌کنند، بلکه عقل را از مردم می‌گیرند. به گزارش جوان آنلاین، آیت الله فاطمی‌نیا در جلسه هفتگی مسجد جامع ازگل، ضمن بیان توصیه‌هایی برای شرکت در مراسمات عزاداری، گفت: «شما را به خدا در این ایام جاهایی بروید که چیزی گیرتان بیاید. به امام سجاد (ع) قسم، از بعضی‌ها که صداوسیما هم آن‌ها را می‌آورد، دلم خون است. به علی بن حسین (ع) این‌ها نه تنها مردم را هدایت نمی‌کنند، بلکه مردم را عقب نگه می‌دارند و عقل را از مردم می‌گیرند. این‌ها دزد فضائل هستند. من نمی‌دانم این صداوسیما دروپیکر ندارد؟!»

این استاد اخلاق با اشاره به یکی از برنامه‌های تلویزیونی گفت: «حضرت زهرا (س) را می‌کنند یک پول! مگر ایشان ام‌الائم، معصومه و مطهره نیست مگر ایشان علم لدنی ندارد؟ چرا حضرت را از زنان معمولی هم پایین‌تر می‌آورید؟! آدم چه خاکی بر سرش بریزد؟! صداوسیما هم این حرف‌ها را پخش می‌کند، یعنی یک عالم و متخصصی در این صداوسیما نیست؟!»

وی با اشاره به همسر علامه طباطبایی (ره) بیان داشت: «خانم علامه طباطبایی لقمه به دست علامه می‌داد تا به اندازه یک لقمه گرفتن هم وقت ایشان گرفته نشود و بتواند المیزان را بنویسد. حالا حضرت زهرا (س) را در صداوسیما از خانم علامه طباطبایی هم پایین‌تر می‌آورند و می‌گویند حضرت زهرا (س) با امیرالمومنین (ع) مفاخره می‌کرد و می‌گفت: تو اگر امیرالمومنین هستی منم فاطمه زهرا هستم، تو اگر فلان هستی منم فلان هستم. این‌ها را می‌گفت که پیامبر رسید و گفت: زهرا بس کن! اگر این حضرت زهرا (س) است که این از عیال علامه طباطبایی هم کمتر است؟! چطور بر چنین آدمی جبرئیل نازل می‌شده است؟!»

استاد فاطمی‌نیا با درجه سه خواندن منابع این حدیث می‌گوید: «یکی کتاب القطره را به عنوان سند می‌گوید. آقا! القطره نویسنده‌اش یک عالم و مجتهد بوده خدا هم خیرش بدهد ولی

اشاره: کتاب «دو امام مجاهد» یکی از جدیدترین آثار منتشرشده از سوی انتشارات انقلاب اسلامی است که حاوی شش گفتار از حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در تحلیل سیره مبارزاتی حسنین علیهماالسلام است. نگاه محوری حاکم بر این گفتارها این رویکرد کلان است که آنچه این دو بزرگوار انجام دادند، تنها در تاکتیک و ظاهر شیوه مبارزاتی با هم تفاوت دارند که اقتضای شرایط زمانه هر یک بوده است؛ اما در استراتژی و هدف هیچ تفاوتی میان آن دو نیست.

تحلیل ماجرای صلح از دو منظر

ماجرای صلح امام حسن علیه‌السلام را از دو منظر می‌توان و باید تحلیل کرد: بُعد اول تحلیل خُرد خود صلح است؛ که آن معاهده‌ای که میان امام حسن مجتبی علیه‌السلام و معاویه منعقد شد، اساساً ماهیت این عمل چه بود؟ تسلیم، سازش، عقب‌نشینی تاکتیکی و یا تغییر میدان نبرد؟ منظرگاه دوم اینست که این صلح، در کلیت تاریخ اهل بیت علیهم‌السلام و سیره سیاسی امامان معصوم چه تأثیری داشت؟ این صلح در «جهاد مداوم و مستمری» که اهل بیت پیامبر ۲۵۰ سال سرگرم به آن بودند، چه جایگاه و تأثیری داشته است؟ حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در گفتار اول کتاب دو امام مجاهد، بُعد اول را تشریح کردند. اما برای فهم دقیق و جامع اهمیت این حرکت امام حسن علیه‌السلام شناخته شد، ناگزیر باید بُعد دوم نیز به دقت مطالعه و موردتأمل قرار داده شود. لذا ایشان در گفتار دوم کتاب، این بُعد دوم را تشریح کرده و اهمیت سرنوشت‌ساز این ماجرا در تاریخ اسلام را نمایان می‌سازد.

مبنای نظریه انسان ۲۵۰ ساله

ابتدا لازم است مبنای نظری و پیش فرض این گفتار یعنی «نظریه انسان ۲۵۰ ساله» تبیین شود. به همین دلیل آیت‌الله خامنه‌ای سخن را با طرح این مسئله آغاز می‌کند که: کدام جهاد مستمر و مداوم؟ به جز امیرالمؤمنین، امام حسن و اباعبدالله علیهم‌السلام (آن هم در برهه کوتاهی از زندگی این بزرگواران) مگر دیگر ائمه هم جهاد کردند؟! کدام جهاد؟ امامان بعدی با چه کسی، به چه وسیله‌ای، با چه شکلی و در چه فرمی جهاد می‌کردند؟! ایشان در پاسخ به این پرسش، با تبیین عالمانه معنای فقهی «جهاد» و با تمسک به مبنای اعتقادی تشیع، اثبات می‌نمایند که تمام دوران زندگی دیگر ائمه علیهم‌السلام به مبارزه و جهاد در راه همان هدفی گذشته است که امیرالمؤمنین و حسنین علیهم‌السلام در آن مسیر جهاد می‌کردند: «این دوران ۲۵۰ ساله حضور اهل بیت علیهم‌السلام را نباید عمر یازده نفر متفاوت بدانیم. بلکه باید آن را عمر یک انسان ۲۵۰ ساله فرض کنیم که یک فکر و یک هدف مشخص داشته، این هدف برای خود آن انسان شاخص‌هایی دارد که اجازه نداده است که این انسان در تمام طول دو و نیم قرن، یک لحظه و یک سرمو از هدف عالی خویش منحرف شود. البته که مسلماً و منطقاً طی این ۲۵۰ سال، یک روش و قالب واحد برای مبارزه نداشته‌اند، بلکه به اقتضای شرایط و اوضاع هر زمان، تاکتیک مبارزه نیز تغییر می‌کرده است.» ایشان این نگرش در تحلیل سیره اهل بیت (ع) را «کلید حل بسیاری از پرسش‌های مربوط به سیره ائمه» دانسته است.

هدف میانی و هدف نهایی اسلام

آن هدفی که همه امامان معصوم (ع) به طور پیوسته مدنظر داشته و هیچ‌گاه از مسیر آن منحرف

حزب سیاسی و تشکیلاتی تشیع چگونه شکل گرفت؟

توانستند جریان تاریخی شیعه را چنین هدایت کنند؟ ایشان توضیح می‌دهد که همه این اقدامات و مبارزاتی که جهت تقویت بازوی اجتماعی و سیاسی تشیع صورت گرفته بود، به واسطه یک کار تشکیلاتی دوراندیشانه و قدرتمند بود که پایه‌گذار این سلسله طولانی امام حسن مجتبی علیه‌السلام است. آیت‌الله خامنه‌ای با این تحلیل، مجدداً به سراغ بررسی ماجرای صلح بازگشته و از این دریچه به تحلیل آن می‌پردازد. ایشان با استفاده از شواهد تاریخی توضیح می‌دهد که شالوده اساسی حزب سیاسی تشیع، پس از صلح امام حسن مجتبی علیه‌السلام با معاویه ریخته شد.

صلح یا آتش بس؟

ایشان در ادامه ابعاد دیگری از «ضرورت صلح» که در گفتار اول به آنها پرداخته بود را شرح داده و نتیجه می‌گیرد همانگونه که برخی از علمای متقدم همچون شیخ صدوق (ره) اشاره کرده‌اند، آن معاهده‌ای که میان امام مجتبی علیه‌السلام و معاویه صورت گرفته، بیش از آنکه حقیقتاً «صلح» باشد، شایسته تعبیر «آتش بس» است: «آتش بس سپری است در مقابل دشمن برای مدتی که در آن مدت تدارک امکانات تازه‌ای بشود.» که این تدارک مجدد برای مبارزه، توسط امامان بعدی علیهم‌السلام به درستی پیگیری شد. البته در میانه این گفتار علاوه بر تحلیل عمیق و دقیق تاریخی، به نکات نغز و مهم دیگری نیز برخورد می‌کنیم. به عنوان نمونه تفسیر عالمانه روایت «ارتد الناس بعد الحسین (ع) إلا ثلاثة...» و نیز معنای اصلی و واقعی «توحید» که معمولاً بدان توجه نمی‌شود، از برخی نمونه‌های آن است. کتاب «دوام مجاهد» که حاوی شش گفتار از حضرت آیت‌الله خامنه‌ای است، از سوی انتشارات انقلاب اسلامی در ۳۱۰ صفحه و به قیمت ۲۷۰۰۰ تومان منتشر شده است.

نشده‌اند، «تشکیل یک جامعه‌ی اسلامی» بوده است. این البته هدف نزدیک اسلام است. هدف نزدیک اسلام، ساختن مدینه فاضله است و هدف نهایی و غایی که مترتب بر آن است، ساختن انسان فاضل و «انسان کامل» است.

پایه‌گذاری حزب سیاسی تشیع

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای برای آنکه بتواند اهمیت صلح امام مجتبی علیه‌السلام در سرنوشت تاریخ شیعه را به خوبی نمایان سازد، از روش ویژه‌ای برای تحلیل تاریخ بهره می‌برد: ایشان تحلیل خُرد ماجرای صلح را رها کرده و با رویکرد کلان تاریخی، به سراغ تحلیل اوضاع آینده می‌رود. طی بازه زمانی ۳۰۰ الی ۲۰۰ سال پس از صلح امام حسن (ع) با معاویه، یعنی پس از واقعه عاشورا تا امام حسن عسکری (ع)، تاریخ تشیع چه مسیری را طی کرد و امامان معصوم برای دستیابی به آن استراتژی و هدف واحدی که داشتند، چه راهبردی را پیش گرفتند؟

ایشان سخن را با بررسی اوضاع زمانه امام سجاد علیه‌السلام آغاز کرده و توضیح می‌دهد که بررسی دقیق منابع تاریخی و روایی و رجالی نشان می‌دهد که از زمان ایشان، یک تشکیلات سزی حزبی و سیاسی برای تشیع وجود داشته که به هدایت حضرت امور را پیش می‌برده است. همچنین اقدامات مبارزانه امامان بعدی به انحاء مختلف ادامه پیدا کرده تا اینکه بستر برای مبارزه حادثر توسط امام کاظم علیه‌السلام فراهم گردیده و در طی همین مسیر، جریان شیعه که بعد از واقعه عاشورا در اوج ضعف و انزوا قرار گرفته بود و حتی شیعیان واقعی انگشت شمار شده بودند، در دوران پنج امام آخر علیهم‌السلام جریان تشیع به اوج شکوفایی و قدرتمندی خویش می‌رسد. اما چگونه؟ امامان معصوم با کدام راهبرد کلان

حجت الاسلام والمسلمین مهدوی راد:

اگر قیام سیدالشهدا نبود اسلام ناب محمدی از بین می رفت

برای زندگی این است که انسان خدا را بشناسد، ذکر از بین برنده غبار بر فطرت بوده و لازمه اندیشیدن به خدا اندیشیدن به بلندی ها و بزرگی ها است یعنی انسان باید به بزرگی ها بیندیشد و خود را محصور در دعوای باندی نکند.

وی اضافه کرد: یکی از لطایف آیات قرآن این است که در تمام آیات مدنی حرکت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی برای خدا بوده و خداجویانه ساختن متن زندگی است. یکی از جفاهایی که می کنیم نوع نگاه به میراث اهل بیت (ع) است در حالی که امام رضا (ع) فرمود اگر محاسن کلام ما بیان شود پیروی می کنند.

حجت الاسلام والمسلمین مهدوی راد تأکید کرد: دومین آگاهی این است که بدانیم خدا برای انسان چه ساخته است و در این موضوع از صرف بدن انسان باید بالاتر رفت چرا که خدا تمام هستی را در اختیار انسان قرار داده است.

وی افزود: موضوع سوم بحث خواسته ها و اراده خداوند متعال و اهل بیت (ع) از انسان و جامعه اسلامی است، چهارمین بحث که باید به آن توجه کرد این است که آسیب شناسی صورت گیرد چه چیزهایی انسان را از دین خارج می کند.

استاد حوزه علمیه قم با بیان این که امام قیام کردند که عقلانیت را به جامعه بیاورند، اظهار داشت: از ابتدا که امام حسین (ع) حرکت کردند به اصحاب خود تاکید داشتند که با آگاهی و هوشیاری حرکت کنند یعنی می فرمودند که افراد کرو و کور نباشند و مسائل را با تعقل بپذیرند؛ تمام مراحل حرکت حضرت بر اساس عقلانیت و خردورزی بود.

که چرا می گویند قیام سیدالشهدا (ع) برای اقامه صلات بود، این سخن در حالی مطرح می شود که شرط پذیرش صلات، ولایت است؛ اقامه به معنای متبلور ساختن محتوا در صحنه ذهن و زندگی است.

محقق و پژوهشگر حوزوی اظهار داشت: از امام رضا (ع) سؤال شد که چرا حتما در نماز باید سوره حمد خوانده شود، حضرت فرمود برای این است که قرآن فراموش نشود یعنی حمد خلاصه کل مفاهیم قرآن است که با خواندن متعدد آن قرآن مرور می شود.

وی ادامه داد: از جمله معارف بلند قرآن کریم تبیین، تفسیر و گزارش سیره پیامبران و رسول الله (ص) است، قرآن بهترین و دقیق ترین منبع شناخت سیره پیامبر است؛ ارسال رسل و نزول کتب برای ذکر بوده که به معنای آگاهی، دانش و جهل را زدودن است.

استاد حوزه علمیه قم با بیان این که انبیا آمدند که انسان ها را بیدار کنند، ابراز داشت: اگر کسانی ذکر بگویند و نماز بخوانند اما ندانند که از چه سرمایه اجتماعی برخوردار هستند و دشمن چگونه عمل می کند نمی توانند زندگی کاملاً موفقی داشته باشند.

وی عنوان کرد: امام قیام کرد تا قرآن در متن زندگی جامعه باشد که اگر جامعه مبتلای به جهالت نبود حسین (ع) را می شناخت، اگر جامعه بصیرت می داشت جایگاه ها و حق و باطل را تشخیص می داد.

این پژوهشگر حوزوی با اشاره به روایتی از امام کاظم (ع) خاطرنشان کرد: دانش مفید سودمند



خواندنش را اتلاف وقت می داند. لذا مطمئن نیستیم که حتی همان مجله «پرتو سخن» که متعلق به ایشان است را هم مطالعه کند و این بدین خاطر است که ایشان گرفتار کار علمی و فلسفه است.

وی بیان کرد: من نیز خود چنین گرفتاری ای دارم و زمانی که یک کتاب علمی یا تفسیر می خوانم، مباحث درون روزنامه ها برایم بسیار سبک به نظر می رسد، ولی چون احساس مسئولیت می کنم، برخی اوقات مطلبی در روزنامه می نویسم. والا روحیه حوزوی ما به گونه ای است که وقتی غرق در مسائل اخلاقی، فلسفی یا تفسیری می شویم، میل به سخن گفتن پیدا نمی کنیم. از این رو، ممکن است اگر ایشان اظهارنظری هم می کند، بدان خاطر باشد که اسلام واقعی را در خطر می بیند.

حجتی کرمانی بیان کرد: به نظر می رسد که برای آقای مصباح یزدی نیز، کار سیاسی در حاشیه قرار دارد. مشکل ما نیز همین است، اینکه آقایان؛ از جمله آقای مصباح «سیاسی مصطلح» نیستند، بلکه تنها زانجایی که احساس وظیفه می کنند، لب به سخن می گشایند. بنابراین آنها نمی توانند مسائل سیاسی را بررسی کنند.

مدرک گرایی، مشکل امروز حوزه های علمیه است

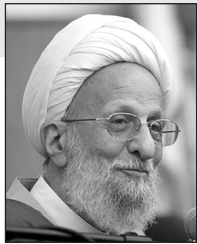
حجت الاسلام والمسلمین احمد مروی معاون ارتباطات حوزوی دفتر مقام معظم رهبری در مراسم آغاز سال تحصیلی حوزه های علمیه خواهران کشور که در محل سالن اجتماعات مدرسه علمیه امام حسن مجتبی (ع) تهران برگزار شد، ضمن گرمی داشت هفته دفاع مقدس و شهادت مظلومانه جمعی از هموطنان در حادثه تروریستی اهواز، به توسعه مدارس علمیه خواهران در سراسر کشور اشاره کرد، و اظهار داشت: حقیقتاً یکی از برکات و حسنات انقلاب اسلامی، گسترش، توسعه و تعمیق حوزه های علمیه خواهران بود.

وی افزود: این شجره طیبه در سراسر کشور به صورت یک شبکه عظیم از بانوان دارای تحصیلات علوم دینی، حوزوی و معارف دینی رشد و ارتقاء یافت. پدیده حوزه های علمیه خواهران، پدیده بسیار مبارکی است. تحصیل، تحقیق، فکر کردن و اندیشیدن همگی مقدمه برای امر تبلیغ است. ما برای هیچ کدام از اینها اصالت قائل نیستیم، البته اهمیت دارند اما در نهایت فقه مقدمه برای تبلیغ خواهند بود.

معاون ارتباطات حوزوی دفتر مقام معظم رهبری گفت: به همه برادران و خواهران طلبه توصیه می کنم امر تبلیغ را مورد توجه جدی خود قرار دهند، زیرا هیچ کاری مهم تر از تبلیغ دین و هدایت جامعه نیست و اگر بود خداوند متعال پیامبران و ائمه اطهار (ع) را به آن دستور می داد. همه اولیاء و انبیاء علیهم السلام مهم ترین وظیفه و رسالت خود را تبلیغ دین و هدایت مردم می دانستند، کسانی که در این عرصه ورود می کنند، نباید به عنوان شغل یا حرفه در کنار شغل های دیگر به آن نگاه کنند و الا ظلم در حق رسالت عظیم تبلیغ خواهد بود.

وی با انتقاد از رواج مدرک گرایی در حوزه های علمیه تصریح کرد: اگر کسی با نگاه شغلی و کسب مدرک وارد عرصه دین و حوزه علمیه شود، توفیقی به دست نخواهد آورد. متأسفانه آفت مدرک گرایی در حوزه های علمیه وجود دارد و باید برای حل ریشه ای این مشکل تدبیر شود. طلاب گرمی باید بدانند کسب دانش در حوزه برای تبلیغ دین است. کسب علم برای ارشاد و هدایت مردم است و مزد و اجر آن نیز با خدا است.

حجت الاسلام والمسلمین مروی با بیان این که مردم تشنه حقیقت و معارف دینی هستند، اظهار کرد: اگر معارف دین را به درستی و با ادبیات صحیح به جامعه ارائه کنیم خواهند پذیرفت زیرا فطرت مردم اینگونه می طلبد. یک مبلغ دینی به خاطر این که مخاطب بیشتری جذب کند نباید از ارائه درست معارف دینی به جامعه کوتاهی کند. اگر جامعه ای عمق دینی و فهم و درک دینی داشته باشد آن جامعه از هرگونه گزند و آسیب مصون خواهد بود و این کار ما طلبه هاست که فهم درستی از دین به مردم ارائه دهیم.



ولی توان و نیروی بازدارنده ای که باید در برابر برخی افراد باشد، وجود ندارد.

حجتی کرمانی در ادامه گفت: بخش دیگر از عواملی که باعث به وجود آمدن چنین شرایطی می شود به فساد مالی، اداری، سوء استفاده ها و درگیری هایی بازمی گردد که در کشور وجود دارد.

وی با اشاره به پیشنهاد مناظره ای که اخیراً به آیت الله مصباح یزدی داده بود، در پاسخ به این پرسش که علت امتناع آقای مصباح را در چه می داند؛ گفت: خبر ندارم که ایشان امتناع کردند یا نه، حتی نمی دانم به اطلاعش رسیده یا خیر. از این رو، نمی توانم حکم کنم که من با خود آقای مصباح تماس بگیرم، می توانستم بفهمم که ایشان این مطلب را خوانده اند یا نه.

حجتی کرمانی در پاسخ به این سوال که با توجه به آنکه در گذشته مسبوق به سابقه بوده، آیا امکان دارد پاسخ شما را نشریه منتسب به آیت الله مصباح بدهد، اما خود ایشان از آن بی اطلاع باشد، گفت: بعید نمی دانم. زیرا در جلساتی که من در گذشته با آقای مصباح داشتم، ایشان صریحاً می گفتند که حوصله روزنامه خواندن ندارد و روزنامه را زائد و

تجدید مباحثه!

انقلاب اسلامی را برده اند چه کار کرده اید؟» در همین رابطه، محمد جواد حجتی کرمانی با اشاره به پیشنهاد مناظره ای که اخیراً به آیت الله مصباح یزدی داده بود، گفت: خبر ندارم که ایشان از قبول پیشنهاد مناظره امتناع کردند یا نه؛ حتی نمی دانم به اطلاعش رسیده یا خیر. از این رو، نمی توانم حکم کنم که ایشان با اطلاع جواب نمی دهند. اگر میسر بود که من با خود آقای مصباح تماس بگیرم، می توانستم بفهمم که ایشان این مطلب را خوانده اند یا نه.

حجتی کرمانی، درباره نامه ای که اخیراً به مسئولین حوزه های علمیه نوشته است، گفت: گردهم آیی ها، آشوب ها، ساختار شکنی ها و فحاشی ها معلول یک سری وادادگی است که در کل نظام وجود دارد. این وادادگی در همه جا هست و نمونه بارزش در اتفاق فیضیه قم بود که افرادی گمان کردند امنیت دارند و می توانند همه حرفی زده یا هر کاری که دلشان می خواهد، انجام دهند و کسی هم جلودارشان نیست. وی افزود: سوالی که من از آقای مصباح با حوزه علمیه و اساتید مطرح کردم، در واقع سوال از کل شرایطی است که در کشور وجود دارد و آنها تنها بخشی از آن را در بر می گیرند. آنچه مشخص است؛ نظام دچار یک بیمارست و در برابر ناهنجاری ها و اکسینه نیست. بسیاری از مقامات نیز نظر مساعدی درباره این نوع اقدامات ندارند،



جماران: محمد جواد حجتی کرمانی گفت: در جلساتی که من در گذشته با آقای مصباح داشتم، ایشان صریحاً می گفتند که حوصله روزنامه خواندن ندارد و روزنامه را زائد و خواندنش را اتلاف وقت می داند. لذا مطمئن نیستیم که حتی همان مجله «پرتو سخن» که متعلق به ایشان است را هم مطالعه کند.

در روزهای گذشته، محمد جواد حجتی کرمانی در پی حادثه اخیر مدرسه فیضیه قم به آیت الله مصباح یزدی هشدار داد که در حال حاضر، انگشت اتهام به سوی او و جبهه پایداری است و در همین راستا او را به مناظره دعوت کرد.

وی همچنین در نامه ای به مسئولین حوزه علمیه نوشت: «سؤال من از مسئولان بزرگوار حوزه مقدسه علمیه قم که باید چشم و چراغ دنیای اسلام و تشیع باشند، این است که اولاً چرا و چگونه می شود چنین ناروایی هایی در قلمرو اداره و مسئولیت شما برادران بزرگوار پدید آید و شما دست روی دست گذاشته باشید و ثانیاً در قبال حرکات زشت این عده که بنام حوزه و روحانیت انجام شده، حضرات بزرگوار چه عکس العملی داشته اید و برای تعقیب کسانی که آبروی حوزه مقدسه علمیه و عاصمه فقه و تشیع و

بی قیدی دامان روایت از حقایق دینی و آئینی را گرفته است

سید مهدی شجاعی در کافه کتاب آفتاب شهر مشهد در نشست با موضوع ادبیات منشور عاشورایی شرکت و در این زمینه به سخنرانی پرداخت.

وی در این نشست در سخنانی عنوان کرد: من از سنین نوجوانی و جوانی این دغدغه را داشتم که مفاهیم اعتقادی را با زبان متناسب با مخاطب امروز جامعه به آن منتقل کنیم و همین فکر من را به وادی داستان نویسی کشاند. رفته رفته به این نتیجه رسیدم که همه آرمان ها و فرهنگمان معطوف به الگوهایمان هستند. در همه دنیا این مساله یک اصل است که شناخت ملت ها با شناخت الگوها و اسوه هایشان محرز می شود و هر چه آنها متعالی تر باشند جامعه بهتر و سریعتر به سمت تعالی می رود. امروز با ارائه الگوهای نازل سعی می شود مردم را پایین نگاه دارند. این در همه جای دنیا نیز هست. همه سیاستمداران به دنبال این هستند. در این وضعیت ادبیات آئینی برای من ابزاری است تا آن الگوهای متعالی را معرفی کنم.

شجاعی ادامه داد: بشر در طول حیات خود دست به ساخت اسطوره ها زده تا آنها بی را که دوست دارند و در اختیار ندارد را برای خود ترسیم کند. او دنبال کمالی است که دوست دارد در کسی متجلی شده باشد. من به اسطوره های واقعی پرداخته ام و معتقدم همه آنچه برای زندگی نیاز داریم در آنها هست به ویژه اینکه آنها فرستاده خداوند هستند و کامل.

این نویسنده افزود: پرداختن به عاشورا در داستان و روایت فقط برای ثواب... نیست، این واقعه برای امروز ما حرف و پیام دارد. همیشه این معدن امکان استخراج دارد. اخیراً فکر می کردم که کسانی که مقابل امام حسین ایستاند نه کافر که اهل دین بودند. همیشه کفر لباس کفر نپوشیده است. گاه مخالف مذهب در لباس مذهب خودش را نشان می دهد. با چنین نگرشی رجوع کردن به این معادن برای ما همیشه حرف های تازه ای همراه دارد. ادبیات آئینی با این هدف قرار نیست همواره از یک گذشته مقدس صحبت کند و باید و می تواند چیزهایی را بگوید که برای مخاطب امروز ما هم حرف برای گفتن دارد.

شجاعی در بخش دیگری از سخنان خود گفت: فضای زندگی خانوادگی من به ویژه عموی من که واعظ بسیار باسواد بود و از شاگردان علامه امینی در زندگی و کار من تاثیر بسیاری داشت. در میان آثار مکتوب نیز کارهای مرحوم شریعتی و پرویز خرسند به من کمک بسیاری کرد. آقای خرسند حق جدی بر گردن ادبیات آئینی ما دارد. با این همه هنوز باورم بر این است که ما هنوز زبانی را پیدا نکرده ایم که بشود برای مخاطب امروز مفاهیم دینی را گفت. من خیلی اوقات قلم را در بیان این حقایق عاجز دیده ام. کار ما تا الان پیاله برداشتن از اقیانوس بوده است و دلخوش به آن بوده ایم. من خیلی تلاش می کنم که شکل ها و گونه های مختلفی برای روایت در ادبیات آئینی پیدا کنم اما کار دشوار است. مثل آدم غارنشین هستم که برای گفتن خیلی از مفاهیم عاجزم و زبانی برایش پیدا نمی کنم. شجاعی افزود: من فکر می کنم نویسنده ای که با ادبیات کهن محشور نباشد نمی تواند در بیان داستان آئینی موفق باشد. هر نویسنده صاحب

سبکی در ایران و جهان قطعاً اگر سبک ساز بوده است با ادبیات کهن خود محشور بوده است. آل احمد در جایی گفته که شانزده بار تاریخ بیهقی را تدریس کرده و دولت آبادی نیز نویسنده ای است که می دانیم چقدر با ادبیات کهن محشور است و هر دو نویسنده، صاحب سبک هستند. وقتی این تسلط پدید آمد و فکر با آن آمیخت، عصاره ای خلق می شود که تازه است و می شود از آن به عنوان فکر تازه یاد کرد.

نویسنده کتاب «سقای آب و ادب» همچنین گفت: نویسنده امروز خیلی زود می خواهد کارش خروجی داشته باشد که غلط است. ما در برابر حقیقت مسئولیم. باید برای نوشتن پژوهش کرد و به مخاطب نیز منابع پژوهش را گفت و میزان استناد متن را شرح داد. ما در بیشتر از نثر در شعر صاحب گنجینه ایم. من معتقدم برای داشتن نثر قوی باید شعر کهن را خوب بخوانیم. بهترین شعرهای کهن ما مضامین دینی و عرفانی دارند. به تازگی مجموعه ای از آثار شعرا در چند قرن اخیر کشف شده که ادبیات شیعی خالص است و مکتوم مانده است. من برخی از این آثار را دیده ام. بسیار ناب است و سالهاست که عرضه نشده است. خیلی از این آثار نه فقط دینی که اخلاقی است. این ادبیات توان پرورش نسل ها را بدون شک دارد و باید آن را باور کرد.

نویسنده کتاب «کشتی پهلو گرفته» افزود: در ادبیات دینی و آئینی موضوع استناد مساله مهمی است. از یک سو ادبیات باید با خلایق و خیال همراه باشد و از سوی دیگر دنبال قواعد استنادی هستیم. با این همه باید بگوییم که در روایت تنها وقتی صحبت از معصومین (ع) هستیم باید مواظب باشیم که چیزی جز آنچه از آنها روایت نشده است بیان نکنیم، خارج از این دست ما برای تخیل باز است. بخشی از ماجرا هم نه به تخیل که به تحقیق بازمی گردد. مثلاً اینکه بدانیم یک فرهنگ در زمان خودش چگونه جلوه می کرده است. دشواری کاری آئینی نوشتن در این دست موارد است. در اینکه چطور داستانی بنویسیم که در اصل روایت ابتدا و انتهایش معلوم است. چطور باید در این زمینه روایت کرد. اما نکته دیگر این روزها بی قیدی است که برای ذکر مصیبت به آن دچار شده ایم. در گذشته میان روایت و نقل شخصی قید داشتیم. مثلاً از عبارت «زبان حال» استفاده می شد که معلوم بود تلقی ماست از یک ماجرا اما امروز این مساله کم رنگ شده و جای خودش را به بی قیدی داده است. من در زمانی که درباره حضرت عباس (ع) تحقیق می کردیم گاه به مجموعه ای چند جلدی می رسیدم که عصاره اش چند صفحه بود و باقیش همین مطالب بی سند و اعتبار.

شجاعی در ادامه با تاکید بر اینکه ادبیات منشور عاشورایی همچون ادبیات منظوم نتوانسته رشد داشته باشد، گفت: ما در قیاس با شعر در نثر عقبیم و توقعی هم که انتظار می رفت در این سالها رخ دهد، نداده است. می شد در نثر کار جدی تری داشته باشیم اما نشد. ادبیات مقاومت در ایران به تدریج زبان خودش را در ایران پیدا کرده است و نویسندگان برجسته ای خلق شدند. اگر همین اندازه تلاش در زبان برای بیان ادبیات آئینی نیز وجود داشت بدون شک به نتایج بهتری می رسیدیم.

ادامه از صفحه اول

... در همین برهه به آیت الله تسخیری پیشنهاد کردم که شیخ الازهر و بعضی از علما و دانشمندان غیر الازهری، را برای شرکت در یک مؤتمر علمی - تقریبی به ایران دعوت کنیم... ایشان پیشنهاد مرا پسندیدند و برای تکمیل امر، موضوع را به مشورت با آیت الله واعظ زاده که دبیر کل مجمع تقریب ایران بود موکول نمودند که پس از مدت کوتاهی، موافقت و دعوت نامه آیت الله واعظ زاده واصل شد و من به دیدار شیخ سید محمد طنطاوی، شیخ الازهر رفتم و دعوت را به ایشان تقدیم نمودم... شیخ الازهر که به قول او خود حقیر را یکی از علمای الازهر بود! دعوت را با استقبال پذیرفت ولی برای سفر به ایران قائم مقام خود، شیخ عاشور، شیخ نصر فرید واصل (مفتی مصر) و ۱۲ نفر از علمای الازهر و دانشگاهی را برای اعزام به ایران معرفی نمود که برای حضور در کنفرانس بزرگداشت آیت الله بروجردی و شیخ شلتوت، به ایران دعوت شدند و سفری بسیار موفقیت آمیز انجام گرفت و علمای مزبور ضمن ملاقات با آیت الله خامنه‌ای - رهبر معظم - و علمای تهران، سفری نیز به قم داشتند و با بزرگان حوزه علمیه قم و سازمان‌های حوزوی، دیدار داشتند که اثر مثبت ماندگاری در راستای تقریب بین شیعه و سنی از خود به یادگار گذاشت...

... در مراحل تکاملی فعالیت‌ها، جناب شیخ عاشور به عنوان دبیر کل جدید دارالتقریب انتخاب گردید که مورد تأیید «مشيخة الازهر» قرار گرفت که حوادث ضد دیکتاتوری حسنی مبارک و قیام مردم و پیروزی اخوان المسلمین، که امید پیشرفت امور را داشتیم، با کودتای سرکوبگرانه ژنرال‌های باقیمانده از دوره ژنرال حسنی مبارک، متأسفانه آرزوی ما تحقق نیافت...

... چند هفته پیش، فرزند شیخ عاشور، حیثم محمود عاشور خبر داد که پدرش شیخ محمود به رحمت حق پیوسته است که موجب تأسف شدید گردید، چرا که شیخ از قلیل بازماندگان علمای تقریبی الازهر بود که مورد احترام شیوخ الازهر و محافل علمی - دینی مصر بود. قبل از نگاهی به شرح زندگی وی، بی مناسبت نیست اشاره کنم که متأسفانه قبل از شیخ، آقای عبدالله قمی، فرزند مرحوم شیخ محمد تقی قمی هم درگذشت که وصیت نموده بود، جنازه او به ایران منتقل گردد و در کنار آرامگاه پدرش به خاک سپرده شود.

... شیخ محمود عاشور، در یکی از روستاهای دور مصر در یک خانواده روحانی و کشاورز به دنیا آمد. این روستا در آن زمان نه برق داشت و نه آب! و از وسایل زندگی معمولی هم محروم بود... عاشور در همین روستا و از همان آغاز به یکی از مکتب‌های تعلیم قرآن پیوست و حافظ کل قرآن گردید. پدر بزرگش که خود فارغ التحصیل الازهر بود، آرزو داشت که محمود عاشور نیز به الازهر بپیوندد و یکی از علمای این نهاد بشود... پس از پایان دروس مقدماتی در همان روستای عقب مانده محروم، محمود عاشور با استعدادی که داشت در آموزشگاه الازهری «اسکندریه» شرکت نمود و مراحل ابتدایی

درگذشت شیخ محمود عاشور معمار معاصر تقریب در قاهره

گروه‌ها به راه راست هدایت شوند. در مورد دخالت و یا نزاع اهل تصوف در سیاست پس از انقلاب هم به نظر من این امر با آموزه‌های صوفیه سازگار نیست و ظاهراً بعضی از رهبران فرقه‌های صوفیه در مصر هم باطن را فراموش کرده و به ظاهر پرداختند و گویا آنها معتقد هستند که ماقبل از همه این گروه‌ها در صحنه‌های اجتماعی و خدماتی برای مردم فعال بوده‌ایم و اکنون به جای آن که ما در صحنه باشیم، عده‌ای که معلوم نیست تا دیروز کجا بودند؟ امروز صحنه گردان شده‌اند! این تصور باعث شد که بعضی از اهل تصوف به دنبال مطالبه «سهم خود»! در امور شدند و این به نظر من با روح تصوف اصیل سازگار نیست...

خدایان همه ما و برادران را اعم از اهل سنت و اهل تصوف به راه راست هدایت فرماید.

دیدگاه‌ها

شیخ محمود عاشور، در بعضی از مسائل تاریخی و دینی، دیدگاه‌های ویژه‌ای داشت که ناشی از تحقیق و پژوهش او بود. از جمله در مسئله ازدواج پیامبر اکرم (ص) با دختر نه ساله! که آن را از جعلیات دشمنان پیامبر می‌دانست و رسماً در مصاحبه‌ای گفت: «این ادعا از اسرائیلیات بوده و از اساس کذب و جعلی است و هرگز صحت ندارد، زیرا که طبق نوشته بعضی از مورخان، این امر در شانزده سالگی عایشه اتفاق افتاده و چند نفر از محققان و اساتید تاریخ اسلامی هم بر این نکته تأکید دارند که این ازدواج در نوزده سالگی عایشه بوده نه در نه سالگی... و البته در آن دوران ازدواج در سنین پایین، امر رایجی بوده همانطور که در عصر ما، طبق قانون مصر، ازدواج دختران ۱۶ ساله و یا ۱۸ ساله، کاملاً مشروع و قانونی است.

شیخ محمود عاشور گفت: متأسفانه در این اواخر، بعضی‌ها با گذاشتن ریش بلند! مدعی مقامات علمی شده‌اند که بیانات آنها نشان می‌دهد از مفاهیم اصیل قرآنی و احادیث و سنت نبوی آگاهی لازم را ندارند و من به آنها می‌گویم: از خدا بترسید و حدود خود را بشناسید و در امری که صلاحیت ندارید دخالت نکنید. متأسفانه می‌توانم بگویم که در مصر امروز بیش از یکصد فرقه به وجود آمده که هر کدام از رهبران آنه که ریش بلندتری دارند، خود را شیخ! و مرشد می‌نامند و متأسفانه در مسائل دینی هم فتوی می‌دهند در حالی که مرجع فتوی در مصر «دارالافتاء» وابسته به الازهر است، نه هر فرد ریش دار و عمامه به سری که مدعی شیخوخت می‌کند!

ریش تراشی!

... روزی از شیخ محمود عاشور، در دورانی که قائم مقام شیخ الازهر بود، پرسیدم: شما چرا ریش خود را می‌تراشید؟ خندید و گفت: اولاً اغلب شیوخ الازهر ریش خود را می‌تراشند و این از نظر فقهی ما، اشکالی ندارد، البته بعضی از آنها هم که ریش می‌گذارند، ریش معقول و معمولی است و با ریش یک متری جوانانی که دشداشه سفید می‌پوشند و خود را نماینده اسلام می‌دانند و می‌نامند، فرق دارد و ثانیاً استاد من مرحوم شیخ محمود شلتوت نوشته است که «ریش گذاشتن یک سنت عادت است نه سنت عبادت و انجام یک سنت ثواب دارد ولی ترک آن هم عقاب ندارد» و به نظر من فقط ریش نمی‌تواند معیار تدین و تقوی باشد بلکه معیار در اسلام، صفای قلب و عمل با اخلاص و انجام واجبات و ترک محرمات است و اگر نه با گذاشتن ریش، که ابوجهل هم ریشی درازتر از همه داشت به مفهوم دینداری نیست و بی‌تردید داوری‌های خدایان هم به ظاهر سازی‌ها نیست،

ادامه در صفحه بعد



شیخ فرید نصر واصل (مفتی مصر) - شیخ محمود عاشور (قائم مقام شیخ الازهر) - سید هادی خسروشاهی

ایران سفر کند، او قائم مقام خود شیخ محمود عاشور را انتخاب کرد و گفت من او را همراه مفتی و بعضی دیگر از علمای الازهر به ایران می‌فرستم و از اقدام مجمع جهانی تقریب در تهران، در برگزاری این کنفرانس سپاسگزارم (و در همین رابطه نامه‌ای خطاب به آیت الله واعظ زاده نوشت و من آن نامه را به ایشان رساندم و آیت الله واعظ زاده پاسخ محترمانه‌ای مرقوم داشت که باز آن را پس از پایان مراسم بزرگداشت در تهران، به شیخ الازهر رساندم... این اسناد را در کتاب «سرگذشت تقریب» چاپ تهران، مجمع جهانی تقریب آورده‌ام که علاقمندان می‌توانند به آن مراجعه کنند).

انقلاب در مصر

شیخ محمود عاشور انقلاب مردمی ضد دیکتاتوری را یک نعمت الهی نامید و گفت: اشکال عمده این انقلاب آن بود که رهبری نداشت، بلکه گروهی از جوانان به میدان آمدند و مردم هم به پشتیبانی از آنها پرداختند و سرانجام با فداکاری‌های عموم مردم دیکتاتوری سقوط کرد و در واقع یک زلزله مثبت بود که باعث شد خیلی از امور پشت پرده، بر مردم روشن گردد و متأسفانه این مشکل اصلی فقدان رهبری. باعث شد که پس از پیروزی، خیلی‌ها پیدا شدند که خود را صاحب انقلاب نامیدند و به دلیل این که گویا روزی در تظاهرات میدان التحرير حضور داشتند، طلبکار شدند و بعد به نام اسلام به طرد و تکفیر مخالفان پرداختند در حالی که در اسلام اصیل، مسلمانی حق طرد یا تکفیر مسلمان دیگر را ندارد و در واقع باید گفت که این ادعاها، برای کسب منافع شخصی و مثلاً اشغال کرسی مجلس ملی و مجلس شورای بود نه به خاطر خدا و یا برای پاسخ به درخواست‌های اصلی مردم.

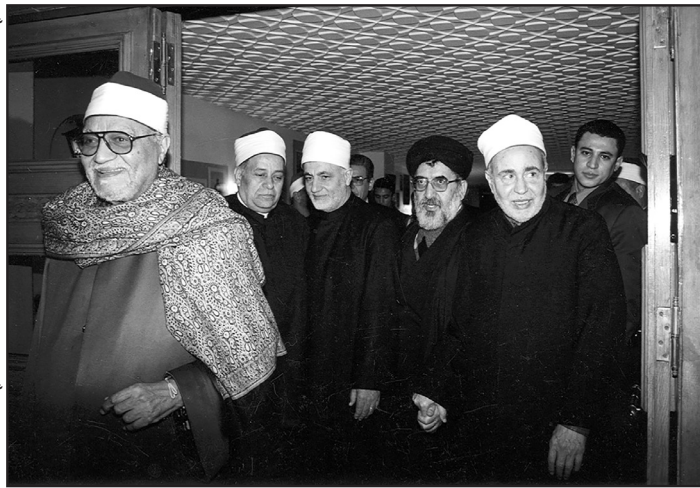
من نصیحت‌م بر این افراد این است که همه ما مصری هستیم و باید به حفظ استقلال کشور و ارزش‌ها تلاش کنیم نه آن که به خاطر مصالح فردی، زحمات و تلاش‌های مردم را هدر بدهیم. ما همگی باید از کشور دفاع کنیم و مراقب توطئه‌های دشمنان باشیم و برای اخذ رهنمودهای شرعی و منطقی به موسسه‌ای که الازهر نام دارد و بیش از هزار سال سابقه دارد، مراجعه کنیم نه آن که هر کسی که ریش بلند و دشداشه‌ای بلندتر! دارد خود را متولی اسلام و مردم بنامد و اصولاً معلوم نیست که این مدعیان؟ کجا درس اسلام شناسی خوانده‌اند و سطح معلومات آنها چقدر است و چگونه جرأت می‌کنند به نام اسلام شناسی، اظهار نظرهایی بکنند؟ که با اصول اسلامی در تضاد آشکار است. من امیدوارم که این

و نهایی دروس آن را در مدت نه سال به پایان رساند و آماده حضور در دانشگاه گردید...

در این مرحله به گفته محمود عاشور، او مدارک تحصیلی مدرسه الازهری خود را به دانشکده «دارالعلوم» دانشگاه قاهره تحویل داد که پیوندی با الازهر نداشت محمود عاشور می‌گفت: وقتی گزارش کار را به پدر بزرگم دادم، او که سخت بیمار و در دوران پیری بود، آشفته و اندوهگین شد و گفت: فرزندم! من آرزو داشتم که تو از طلاب الازهر بشوی و در آینده از علمای این مرکز باشی و اکنون

به دانشکده دارالعلوم رفته‌ای؟ اگر این روش را ادامه دهی، من بعد از مرگ هم از تو راضی نخواهم بود...

پدر بزرگم سخت بیمار بود و من از عدم رضایت او ناراحت شدم و بلافاصله به دارالعلوم رفتم و مدارک تحصیلی خود را پس گرفتم و به دانشگاه الازهر دادم و در آن به تحصیل علوم اسلامی پرداختم... و در سال ۱۹۶۴ فارغ التحصیل شدم و از همان زمان به تدریس پرداختم و در سال ۱۹۷۰ نیز به «سودان» اعزام شدم و به عنوان مدرس مشغول تدریس شدم، اما پس از بازگشت به قاهره به «مجمع البحوث الاسلامیه» که یکی از نهادهای علمی - تحقیقی معروف الازهر است پیوستم و در دبیرخانه آن به عنوان مدیر کل به فعالیت مشغول شدم و سپس به وزارت امور الازهر، در دولت منتقل شدم تا این که در سال ۲۰۰۰ میلادی معاون الازهر شدم... من تا آن تاریخ لباس «افندی» می‌پوشیدم! ولی از آغاز دوره معاونت لباس علمای الازهر را پوشیدم و مردم احساس کردند که با یک عالم الازهری روبه‌رو هستند... البته من در پانزده



شیخ محمد طنطاوی (شیخ الازهر) - سید هادی خسروشاهی - شیخ فرید نصر واصل (مفتی مصر) - شیخ محمود عاشور (قائم مقام شیخ الازهر) و شیخ القراء مصر شیخ شعیب

سالگی، به تشویق پدر بزرگم نخستین خطبه جمعه را در مسجد روستا ایراد کرده بودم که مورد تشویق پدر بزرگم شد و من هم خوشحال شدم که بالاخره پدر بزرگم از من رضایت دارد.

به هر حال من با توصیه پدر بزرگم، الازهری شدم و به یاری حق در الازهر باقی ماندم تا به قائم مقامی «مشيخة الازهر» منصوب شدم و در واقع در اداره امور و کارهای شیخ الازهر، شیخ سید محمد طنطاوی همکاری داشتم و این امر سالیانی چند ادامه یافت.

... وقتی اینجانب از شیخ الازهر، سید محمد طنطاوی دعوت کردم که برای شرکت در کنفرانس بزرگداشت آیت الله بروجردی و شیخ شلتوت، به

بلکه حقیقت امر ملاک داوری های خداوند است و شیخ ما شلتوت می‌گفت: «یش یک امر عارضی است و از فرائض نیست» البته این دیدگاه شیوخ الازهر است و لذا حتی بعضی از رؤسای اصلی آنها که به مقام شیخوخت الازهر رسیده‌اند هم ریش خود را می‌تراشیدند. (والله العالم)

شیخ محمود در مورد حجاب زنان مسلمان در غرب و یا بلاد غیر اسلامی که موجب آزار و هتک حرمت آنان می‌شود، نظریه‌ای ابراز داشت که موجب واکنش‌هایی در محافل سلفی‌ها و تندروان گردید، ولی شیخ توضیح داد که هیچ کس شکی در وجوب حجاب در چارچوبی که در قرآن آمده و پیامبر اکرم (ص) تعیین کرده‌اند ندارد، ولی نقاب زدن بر صورت نمی‌تواند جزو واجبات باشد به ویژه که در مراسم حج هم پوشیدن صورت اصولاً جایز نیست...

من در مورد حل مشکل بانوان محجبه، در خارج، گفتم که با اختیار نوعی حجاب شرعی خود را از مشکلات دور سازند و در واقع این نوعی از حجاب جدید می‌تواند باشد و آن این بود که من گفتم: نقاب فریضه نیست، پس کنار زدن آن اشکال شرعی ندارد و خواهان ما در بلاد دیگر می‌توانند از نوع پوشش بانوان ما که در نیروهای انتظامی و مسلح کار می‌کنند استفاده کنند یعنی مانند آنها یک «ایشارب» کامل داشته باشند و روی آن را هم با کلاهی بپوشانند که در واقع یک نوع «حجاب مدرن» محسوب می‌شود و کسی هم نمی‌تواند مانع آن بشود و یا بانوان مسلمان را مورد آزار و اهانت قرار دهد.

پس من گفته‌ام: اصل حجاب واجب و فریضه است ولی انتخاب چگونگی آن مطابق زمان و مکان، به عهده خود بانوان مسلمان است.

دیدگاه شیخ عاشور درباره مسئله شیعه و سنی
... محمود عاشور از آغاز زندگی اجتماعی و

فعالیت در چارچوب الازهر، همواره به اعتدال و انصاف در امور، به ویژه درباره مذاهب اسلامی، بالاختص تشیع، معروف بود. او همیشه در محافل و مجالس مختلف به وحدت مسلمین و تقریب بین اصحاب مذاهب و ضرورت شناخت دقیق یکدیگر، دعوت می‌کرد و در این زمینه، می‌توان گفت از مرحوم شیخ محمد طنطاوی، شیخ الازهر هم پیشروتر بود و تحفظات و احتیاط‌های وی را نداشت و با صراحت و شجاعت از شیعه به عنوان یکی از مذاهب پنج‌گانه اسلامی، دفاع می‌کرد.

شیخ محمود عاشور، یک مصاحبه مطبوعاتی در قاهره، در پاسخ به این سؤال که: نظر شما درباره تشیع و مسئله روابط بین شیعه و سنی چیست؟ گفت:

در نظر من اخلاف بین سنی و شیعی یک غوغای ساختگی است و نیروهایی در پشت صحنه کارگردان این مسئله هستند. شعار استعمار از زمان‌های دور این بوده که «اختلاف بیانداز و حکومت کن»! و استعمارگران در هر عصری از این شعار استفاده کرده‌اند و همیشه با ایجاد فتنه و جنگ‌های فرقه‌ای در بلاد اسلامی و نشر اکاذیب درباره شیعه و سنی کوشیده‌اند که به اهداف خود که سلطه یابی بر همه بلاد اسلامی و غارت منابع طبیعی و ثروت ملی آنها است، برسند و حتی من در کتابی خواندم که یکی از مقامات امنیتی آمریکا گفته بود که ما بالاخره بر «دشمن سرخ» - کمونیسم - پیروز شدیم و اکنون نوبت «دشمن سبز» - اسلام - است و در واقع آنها، با تمام توان در این راستا فعال هستند و اعمال و اقدامات آنها در جهان اسلام شاهد روشنی بر این دشمنی‌ها است.

در عصر ما اگر مصر و ایران و ترکیه، سه کشور اسلامی بزرگ متحد شوند می‌توانند یک بلوک و تشکل بسیار نیرومندی به وجود آورند که ترفندهای غرب را خنثی کنند و با علم به این واقعیت، ما و همه، فرقه‌ها و اهالی مذاهب اسلامی

باید متحد شویم و همکاری کنیم تا شاهد آثار شکوهمند آن باشیم.

البته فقهای مذاهب اسلامی، در پاره‌ای از مسائل با همدیگر اختلاف نظر دارند ولی درباره جوهر دین و صحت اصول و عقاید و حیانی، وحدت نظر کامل دارند و با تکیه بر این اصل نباید اختلاف فرعی، که عمدتاً هم در مسائل فقهی است، ما را از یکدیگر دور سازد. و یا خدای ناکرده به تکفیر و تفسیق یکدیگر بپردازیم! البته ما می‌دانیم که الازهر در این زمینه پیشگام شد و شیخ الازهر، مرحوم شیخ محمود شلتوت رسمیت مذهب تشیع و جواز پیروی از احکام و نظرات آن را اعلام نمود که در زمان خود بسیار تأثیرگذار بود.

من در سفری که چندی قبل به ایران داشتم، به برادران شیعه گفتم که ما توسط شیخ شلتوت در ایجاد وحدت و تقریب، گام بلندی برداشته‌ایم و بسیار نیکو خواهد بود که شما نیز گام مثبتی در این راستا بردارید مثلاً در مورد شایعه «سب صحابه» در ایران، موضع بگیرید و البته من پس از مراجعت به قاهره، شنیدم که مرشد و رهبری ایران، فتوایی در عدم جواز سب اصحاب صادر کردند که اقدامی بسیار نیکو و قابل تقدیر است.

البته در ایران بعضی از برادران اهل سنت پیش ما آمدند و به ما گفتند که ما مسجد خاصی در تهران - پایتخت اسلامی - نداریم، ولی من به آنها صریحاً گفتم که مساجد را مساجد شیعی و سنی نباید کرد «وان المساجد كلها لله» بنابراین همه برادران مسلمان، در همه مساجد، می‌توانند اقامه نماز کنند و نباید مسئله مسجد خاص، باعث تفرقه گردد. همانطور که در اغلب بلاد اسلامی، و حتی در مصر مطلب از همین قرار است و تفرقه‌ای به خاطر مساجد نیست.

... شیخ محمود عاشور، قائم مقام سابق شیخ الازهر، عضو ارشد مجمع البحوث الاسلامیه، دبیر

ژنرال سیسی و: جامعة الازهر

به گزارش خبرگزاری رسا، رهبری کودتای نظامی مصر ضمن مخالفت با خواست احمد الطیب شیخ الازهر برای تمدید دوره مسؤولیت شیخ عباس شومان مرد شماره دو الازهر، او را برکنار کرد؛ اقدامی که از نگاه ناظران به مثابه بحران جدیدی در سلسله بحران های الازهر و عبدالفتاح السیسی رییس جمهور مصر به شمار می آید.

به عبارت دیگر نهاد ریاست جمهوری مصر تمدید سرپرستی عباس شومان بر الازهر برای بار دوم را رد کرد، این در حالی است که شیخ الازهر پس از پایان مدت سرپرستی وی در سپتامبر ۲۰۱۷ به طور رسمی درخواست تمدید مسؤولیت او را مطرح کرده بود. اکنون رد این درخواست موجب شد، شیخ الازهر روز گذشته شومان را به عنوان دبیر کل هیأت علمای عالی رتبه الازهر تعیین کند.

در همین ارتباط پایگاه التحریر مصر ضمن اشاره به اختلاف بین نهاد ریاست جمهوری و الازهر در خصوص تمدید دوره مسؤولیت شومان اعلام کرد، شیخ الازهر سه شنبه گذشته به طور رسمی پاسخ منفی نهاد ریاست جمهوری با تمدید مجدد سرپرستی شومان بر الازهر برای یک سال دیگر را دریافت کرد و در آن درخواست شده بود شخصیت های دیگری را برای این پست معرفی کند که توان ارتقای الازهر و افکار روشنگرانه را داشته باشد.

این موضع رییس جمهوری در حالی است که عدلی منصور رییس جمهور موقت مصر شومان را به درخواست الطیب برای مدت چهار سال به عنوان سرپرست الازهر تعیین کرد و قبل از اینکه این دوره به پایان برسد السیسی آن را در سپتامبر ۲۰۱۷ به درخواست شیخ الازهر یک سال تمدید کرد.

شومان به اتهاماتی نظیر حمایت از تفکرات اخوان المسلمین در داخل الازهر متهم است اما الطیب با تعیین او به عنوان نائب خود مانع از برکناری او شد حال آنکه برکناری او این سوال را مطرح می کند: آیا این وضعیت به معنی اختلاف بین الازهر و نظام حاکم است؟

در شرایطی که البراهیم عیسی روزنامه نگار مصری شومان را خطیب مرسى توصیف کرد دیگران نیز به دلیل مخالفت با کافر دانستن داعش، او را داری افکار داعشی دانستند.

کل دارالتقريب بين المذاهب (قاهره) عضو شورای عالی مجمع جهانی تقریب بین مذاهب اسلامی (تهران) در سال ۲۰۰۸ م به عنوان «رائد التقريب» برای تقدیر از کوشش‌های ارزشمند وی در راه وحدت مسلمین و تقریب بین مذاهب اسلامی، برنده جائزه مجمع التقريب تهران گردید و در ضمن دریافت آن در پیامی گفت: «ما امروز نیازمند همکاری با همه مسلمانان نه فقط در سطح علماء بلکه در سطح عام هستیم تا بتوانیم فتنه‌ها را خنثی سازیم. اگر مسلمانان در مقابل توطئه تفرقه مقاومت کنند بی‌تردید به صلح و آرامش و امنیت کامل خواهند رسید به ویژه که قرآن کریم بر برادری مسلمین تأکید دارد. پس اگر خداوند سبحان اخوت بین مسلمین و به نص صریح قرآن، تأکید می‌کند، هیچ کس حق ندارد بین شیعه و سنی فرقی قائل شود...»

... شیخ عاشور پس از هشتاد سال زندگی و یک عمر تلاش در راه تقریب و وحدت مسلمین سرانجام چهل روز قبل در بیمارستان «الاندلسی» در منطقه «المعادى» قاهره درگذشت و پس از بیانیه‌های تسلیت بزرگان الازهری از جمله شیخ عباس شومان (قائم مقام قبلى شیخ الازهر) شیخ مختار جمعه (وزیر اوقاف) شیخ شوقی علام (مفتی مصر) و بزرگان دیگر، از مرکز الازهر شریف با شرکت انبوهی از مردم و علما و طلاب تشییع گردید و در مقابر علما به خاک سپرده شد. (رضی الله عنه)

قم: ۲۵ ذی الحجة ۱۴۳۹ هـ

۹۷/۶/۱۵

سید هادی خسروشاهی

حکم اعدام ۷۵ نفر از اعضای اخوان المسلمین

دادگاه مصر پس از تأیید مفتی اعظم این کشور، ۷۵ نفر از اعضای اخوان المسلمین را به اعدام و ۴۷ تن دیگر را نیز به حبس ابد محکوم کرد.

دادگاه قاهره پس از اعلام نظر مثبت مفتی اعظم این کشور، ۷۵ نفر از اعضای «اخوان المسلمین» را به جرم دست داشتن در حوادث موسوم به «رابعه العدویه» (سال ۲۰۱۳) به اعدام و ۴۷ تن دیگر را به حبس ابد محکوم کرد. پایگاه مصری «الاهرام» در این باره اعلام کرده، این دادگاه ۷۵ نفر از اعضای اخوان المسلمین از جمله «محمد البلتاجی»، «صفوت حجازی»، «عصام العریان»، «عبد الرحمن البر»، «عاصم عبد الماجد»، «طارق الزمر» و «وجدی غنیم» از رهبران این گروه را به اعدام محکوم کرده است. ۲۹ نفر از کسانی که دادگاه قاهره حکم به اعدام آنها داده، در این دادگاه حضور نداشتند و به صورت غیابی محاکمه شده‌اند. دادگاه مصر همچنین «محمد بدیع» رهبر اخوان المسلمین و ۴۶ نفر دیگر از اعضای این گروه را به جرم دست داشتن در حوادث رابعه العدویه، به حبس ابد محکوم کرده است. اسامه پسر «محمد مرسی» رئیس جمهور پیشین مصر نیز به ۱۰ سال زندان محکوم شده است. «محمد شوکان» عکاس و خبرنگار مصری نیز از جمله کسانی است که به حبس ابد محکوم شده‌اند.

دادستانی مصر این افراد را به «تلاش برای تشکیل گروه مسلح» و همچنین «جمع کردن پنج هزار نفر در اطراف میدان رابعه العدویه در قاهره، به خطر انداختن صلح و امنیت کشور، مقاومت مقابل نیروهای پلیس، قتل عمد» و همچنین «تلاش برای براندازی نظام حاکم پس از برکناری مرسی» متهم کرده است.

دادگاه کیفری قاهره به ریاست قاضی «حسن فرید» اوایل مرداد گذشته حکم اعدام ۷۵ تن از اعضای اخوان المسلمین را در پرونده موسوم به میدان رابعه العدویه در شمال شرق قاهره در سال ۲۰۱۳ میلادی برای تأیید به مفتی این کشور ارجاع داده بود. اعضا و حامیان اخوان المسلمین در سال ۲۰۱۳ در اعتراض به کودتا علیه مرسی رئیس جمهوری پیشین مصر در میدان رابعه العدویه تظاهرات کردند. ارتش مصر در ۱۴ اوت ۲۰۱۳ (۲۳ مرداد ۱۳۹۲) تحصن‌کنندگان میدان رابعه العدویه را با توسل به خشونت متفرق کرد که در جریان آن صدها نفر کشته، زخمی و یا دستگیر شدند. تجمع در میدان رابعه العدویه برای اعتراض به حوادث آن زمان مصر بود که برخی به ویژه طرفداران مرسی آن را کودتای نظامی می‌دانند. ارتش مصر ۲۳۹ شهروند مصری را در ارتباط با این پرونده دستگیر کرده است.

مقام‌های مصری از سال ۲۰۱۳ اخوان المسلمین را در فهرست گروه‌های تروریستی قرار داده‌اند. از زمان برکناری مرسی فشار علیه اخوان المسلمین افزایش یافته و هزاران نفر از اعضای این جنبش زندانی یا اعدام شده‌اند. آمریکا و رژیم صهیونیستی با دولت فعلی مصر روابط خوبی دارند بنابراین قطعاً علیه اعدام همزمان ۷۵ فعال سیاسی در این کشور موضع موثری نخواهند گرفت.

سیاسی - اجتماعی - فرهنگی
۶ بهشت ◄ شماره ۱۲
تقریب ◄ شماره مسلسل ۱۵۷۸ ◄ نیمه دوم شهریور ۱۳۹۷
پست الکترونیک : besatonline@gmail.com

خبرگزاری مهر ـ عباس بنشاسته: عاشورا یکی از روزهای مهم در مذهب تسنن است. در این روز مردم اهل تسنن با خیرات و انفاق به ایتام ارادت خود را به امام حسین(ع) و یارانش نشان می دهند. از برگزاری مراسم جشن و شادی خودداری می کنند. به تلاوت قرآن می پردازند و در مسجدها و خطبه ها حضور پیدا می کنند.

امروزه در مناطق مختلف جهان اسلام اهل تسنن برای امام حسین(ع) عزاداری می‌کنند؛ مثلاً در بین تاجیکان سنی مذهب، مرثیه خوانی رواج دارد و منحصر به روز عاشورا نیست.
مثنوی صیقلی به زبان ازبکی سروده شاعر سنی مذهب، صیقلی حصاری است. مسلمانان اهل تسنن پاکستان، بنگلادش وهند نیز در دهه نخست ماه محرم برای امام حسین(ع) عزاداری می‌کنند و حتی در هندوستان با این‌که اکثریت هندو هستند، روز عاشورا تعطیل رسمی است. مولوی عبدالرحیم رئیس‌ی، از روحانیون اهل سنت سیستان و بلوچستان در مورد رسوم عزاداری اهل سنت پاکستان در ماه محرم می گوید: مهمترین کاری که مردم اهل سنت پاکستان در کل مناطق از روستاها گرفته تا شهرهای بزرگ، در ماه محرم انجام می‌دهند، این است که هرکسی در حد توان خود برای سیدالشهدا نذری می‌دهد.
یکی گوسفند قربانی می‌کند یکی غذا می‌دهد. کلاً هرکسی هرچه از دستش برمی‌آید انجام می‌دهد. به نوعی تلاش می‌کنند این فرهنگ عزاداری در بین مردم زنده بماند و یادبودی از امام حسین(ع) و شهدای کربلا داشته باشند.

وی می گوید: در مورد بزرگداشت یادبودهای اسلامی مثل مبعث و ولادت پیامبر(ص) و یا محرم و زنده نگه داشتن یاد شهدای کربلا هیچ فرقی بین شیعه و سنی وجود ندارد. اهل سنت در ایام محرم سوگوار هستند. مثلاً قرآن می‌خوانند، نذری می‌دهند، در حالت غم و عزاداری هستند. نوحه خوانی هم دارند ولی سینه نمی‌زنند. عروسی نمی‌گیرند و حالت غم را در خانه، کوچه و خیابان‌ها حفظ می‌کنند. اهل سنت هم مداح دارند و در طول ماه محرم مداح‌ها نوحه خوانی می‌کنند. این مراسم فقط مخصوص اهل سنت شبه قاره نیست. اهل سنت سراسر دنیا حتی در اروپا و امریکا هم این مراسم را برگزار می کنند.

اهل تسنن در مناطق مختلف افغانستان مانند کابل، ولایت بدخشان و به ویژه در ولایت بلخ و مزارشریف برای شهدای کربلا مجالس سوگواری برپا می‌کنند. در اندونزی، مالزی و جنوب فیلیپین نیز مسلمانان که غالباً سنی شافعی هستند در روز عاشورا سوگواری می‌کنند. ترکمن‌های ایران که پیرو مذهب حنفی هستند، در روزهای عاشورا و اربعین سوگواری می‌کنند و حتی دسته‌های عزاداری راه می‌اندازند. در بین کردهای سنی مذهب ایران و عراق نیز عزاداری امام حسین(ع) بسیار رواج دارد. در کردستان ایران با آغاز ماه محرم مراسم جشن یا عروسی برگزار نمی‌شود. برخی زنان کرد از اول تا پایان محرم، سرمه به چشم نمی‌زنند. در شهر سنج‌ج مردم در شب عاشورا به مقبره پیر عمر می‌روند و تا پاسی از شب با روشن کردن شمع به دعا و ذکر می‌پردازند. برخی کردهای ایران به حضرت ابوالفضل(ع) توسل می‌کنند و به نام آن حضرت نذر می‌کنند. شاعران کرد نیز اشعار و مراثی با ارزشی درباره امام حسین(ع) سروده‌اند.

ملاجلال مرادی، شاعر آئینی اهل سنت در مورد شهادت امام حسین(ع) گفت: در دیدگاه اهل سنت بعد از وفات رسول الله(ص) و شهادت حضرت علی ابن ابی طالب(ع)، واقعه عاشورا یکی از رویدادهای تلخ و یکی از اتفاقات سخت و تأسف برانگیز است و به عنوان بزرگ ترین ظلم و ستم در حق خاندان پیامبر محسوب می شود. کتاب بدایه نهایه امام ابن کثیر دمشقی و خیلی دیگر از کتاب های اهل

سنت واقعه عاشورا را نقل کرده است.

وی افزود: پیامبر اکرم در مورد امام حسین(ع) فرمودند «الحسن و الحسین سید شباب اهل الجنة» لذا جایگاه خاصی در میان اهل بیت دارند. آیه تطهیر که می فرماید «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» جایگاه اهل بیت را نشان می دهد.

وی ادامه داد: بین آداب و رسوم هر منطقه ای در مورد شهادت امام حسین(ع) و عزاداری برای ایشان تفاوت هایی وجود دارد. اهل سنت به روش برادران شیعه عزاداری نمی کنند، اما احترام خاصی برای ماه محرم قائل هستند و روز عاشورا را به خاطر اینکه امام حسین با زبان تشنه در صحرای عاشورا به شهادت رسیدند، روزه می گیرند. اهل سنت در مراسمات عزاداری همکاری می کنند و به احترام ماه محرم مراسم عروسی و شادی برگزار نمی کنند. وی افزود: حب اهل بیت وجه مشترکی میان شیعه و شنی است. امام شافعی خیلی به اهل بیت پیامبر ارادت داشته است و اشعاری هم در این مورد دارد و مدح اهل بیت را در اشعار امام شافعی می بینیم. لذا اهل سنت مثلاً در بیجار در ماه محرم در مراسم عزاداری شیعیان شرکت می کنند. من خودم در ماه محرم در مراسم عزاداری سخنرانی می کنم.

وی ادامه داد: امام حسین متعلق به تمام جهان است. پیامبر اسلام رحمه للعالمین است. لذا امام حسین که فرزند رسول خداست هم متعلق به همه مذاهب است. نمی توان دیگران را از وجود امام حسین محروم کرد.

وی افزود: قیام امام حسین(ع) دل غافل مردم را بیدار کرد و درس آزادی و آزادگی را به همگان آموخت. او درس ایستادگی و پایداری در مقابل ظلم و فساد را به ما آموخت و به ما یاد داد که در هر شرایطی که هستیم بتوانیم از حق و دین خدا و سنت رسول خدا دفاع کنیم.

این شاعر آئینی اهل سنت گفت: ما هم در منابع اهل سنت و هم در میان شاعران اهل سنت در مورد شخصیت امام حسین مطالب زیادی داریم. شاعران اهل سنت زیادی در مورد امام حسین شعر سروده اند. وی ادامه داد: بنده در مورد واقعه عاشورا یک شعر گودی سرودم که در کنگره اهل بیت در خراسان به عنوان اثر برتر کشور انتخاب شد. خیلی از علما و شعرای ما در اشعار خود ارادت خود را به خاندان اهل بیت ابراز کرده اند. ائمه ما مثل امام

شافعی حکومت اموی را قبول نداشتند و عاشق و شیفته اهل بیت بودند.

ملاجلال مرادی گفت: شیعیان و اهل سنت اشتراکات زیادی با هم دارند که یکی از این اشتراکات قرآن است. در قرآن خداوند در سوره شعرا جایگاه اهل بیت را چنین معرفی کرده اند «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» اگر کسی پیامبر اکرم را دوست دارد باید اهل بیت را نیز دوست داشته باشد. انتظاری که پیامبر از ما دارد محبت و مودت فی القربی است.

وی ادامه داد: آیات دیگر قرآن مانند آیه تطهیر یا آیه «وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مَشْكِينًا وَيَتِيْمًا وَ أَسِيرًا» که در مورد حضرت زهرا و حضرت علی(ع) است و روایات از امام بخاری از امام مسلم و... جایگاه خاص اهل بیت را نشان می دهد. تا جایی که پیامبر فرموده اند محبت علی(ع) عبادت است. در جای دیگر پیامبر فرموده اند هر کس علی را دوست دارد، مرا دوست دارد و هر کس او را از خود برنجاند مرا رنجانده است. در جای دیگر آمده کسی که بغض علی(ع) را دردل پرورش داده، منافق است. این احادیث جایگاه اهل بیت در میان اهل سنت را می رساند.

وی افزود: خداوند در قرآن مدح اهل بیت را کرده است. آیه تطهیر اگر مدح اهل بیت نیست، پس چیست؟ بنابراین مداحی در میان اهل سنت به معنی تخلق به اخلاق خداوند است. در جایی که خدا از اهل بیت مدح کرده است، پس ما هم اگر اهل بیت را مدح کنیم، تخلق به اخلاق خداوند کرده ایم. ما شاعری در میان اهل سنت نداریم که اهل بیت پیامبر را مدح نکرده باشد. اکثر شعرا و اهل قلم ما در مورد عاشورا و شخصیت امام حسین و همه ائمه مداحی کرده اند.

این شاعر آئینی اهل سنت گفت: جوانان اهل سنت به امام حسین ارادت دارند و ما می بینیم که خیلی از جوانان اهل سنت در تکایا شرکت می کنند. به خصوص جوانان مادر ماه ربیع برای اهل بیت مداحی می کنند و در این ماه مجالس مدح اهل بیت همزمان با میلاد پیامبر اکرم توسط اهل سنت برگزار می شود.

وی ادامه داد: امام حسین(ع) خود فرمودند به خاطر احیای دین جدش و به خاطر نهی از منکرو حاکمی که مشروعیت نداشت، قیام کردند. ما تأثیر این مسئله را در قیام های کشورهای عربی دیدیم. این درسی بود که امام حسین(ع) به جوانان اهل سنت داد و آن درس آزادگی بود. امام حسین(ع) در

برخی سخنرانان دزد فضائل هستند؛ مگر این صدا و سیما در و پیکر ندارد؟!

اما بعضی‌ها دزد عقیده، ایمان و عقل هستند، فقط عقل آدم را کم می‌کنند، گاهی به بچه هایم که بعضی‌ها را می‌بینند می‌گویم ببند عقلت کم می‌شود عوضش آواز بخون !

خدا رحمت کند؛ پدرم از بزرگان اولیا بود. جوان بودم یک حدیث ضعیفی را پیشش بردم سؤال کردم آقا این چیست؟ گفت: آواز بخونی بهتر است. نه خودش اهل آواز بود نه من، ولی می‌خواست بگوید این مطلب این قدر سطحش پایین است که آواز بخونی بهتر از این است.».

آیت الله فاطمی‌نیا با اشاره به لزوم کسب معرفت نسبت به دین گفت: «با اخلاص به روضه‌های اباعبدالله بروید، قبل از ورود به مجلس روضه بگویید خدایا اگر در من مانعی است که فیض ابی‌عبدالله به من نرسد آن مانع را از من بر طرف کن. آقا با معرفت بروید. زیارت هم همین طور است در زیارت‌ها که خیلی هم ثواب دارد، می‌گوییم «من زار عازفا به حقه» شما حضرت زهرا (س) را زیارت کنید همه چی به شما می‌دهند به شرطی که عارف به حشش باشید. حضرت زهرایی که معصومه مطهره و وصل به غیب است را اگر زیارت کنی همه چی به شما می‌دهند، اما حضرت زهرایی که با امیرالمومنین مشاجره می‌کند اصلا وجود ندارد! اصلاً خدا این حضرت زهرا را نیافریده است! حضرت

اهل سنت و حبّ سیدالشهدا

مقابل ظلم قد علم کرد و سر مبارک را خم نکرد و در این راه جان خود را فدا کرد.

وی افزود: انقلاب اسلامی ما و خیلی از انقلاب هایی که در کشورهای مسلمان اتفاق می افتد، برگرفته از قیام حضرت سیدالشهدا است. جوانان ما امروز اگر بخواهند به شخصیتی اقتدا کنند که شایستگی داشته باشد، این شخصیت کسی جز امام حسین(ع) نیست. امام حسین درس بزرگی به ما داد که به دنبال هوا و هوس دنیا نرویم.

ملاجلال مرادی گفت: یکی از نکاتی که خیلی مهم است این است که امام حسین خانواده خود را در مسیر عاشورا با خود همراه کردند و امام حسین هم خودش و هم خانواده اش را در این راه فدا کردند و این بزرگترین درس برای ماست.

وی در نقد جریان وهابیت گفت: مذاهب اهل سنت وهابیت را قبول ندارند. اگرچه وهابیت نام اهل سنت را یدک می کشد، اما عقاید آنها و مباحث فقهی آنها با مبانی اهل سنت سازگار نیست.

وی ادامه داد: بزرگان اهل سنت در رد تفکر وهابیت خیلی کتاب نوشته اند. جریان وهابیت خارج از مذهب اهل سنت است.

وی افزود: جریان وهابیت، جریانی مطرود و منفور در افکار عمومی اهل سنت است. وهابی‌ها اهل سنت را هم تکفیر می‌کنند، چون ما زیارت و توسل را قبول داریم. زیارت و توسل و... نه تنها شرک نیست بلکه عین توحید است. ارادت به اهل بیت و زیارت و توسل چیزی نیست که خلاف قرآن باشد. علمای اهل سنت بیش از ۳۰۰ کتاب در رد وهابیت نوشته اند. اولین کتابی که در رد وهابیت نوشته شد کتابی بود که برادر محمد ابن عبدالوهاب نوشت.

ملاجلال مرادی گفت: تا قرن هفتم هجری اهل سنت در مسئله توسل و استغاثه به ائمه اطهار هیچ اختلافی با شیعیان نداشتند. تنها کسی که این مسئله را به عنوان شرک تلقی کرد، ابن تیمیه بود. امام شافعی، سیوطی، غزالی و... توسل را جز اقرب قریات و به عنوان یکی از کارهایی که انسان را به خدا نزدیک می کند، می دانستند.

وی در پایان تصریح کرد: ان‌شاءالله ما بتوانیم در مورد خدمت به دین اسلام و اهل بیت رسول الله نقشی داشته باشیم که این می‌تواند با مداحی و با شعر باشد و یا با بیان واقعه عاشورا و فداکاری های امام حسین، و بتوانیم آن را به نسل های بعدی منتقل کنیم و نسل خوبی برای آینده اسلام تربیت کنیم.

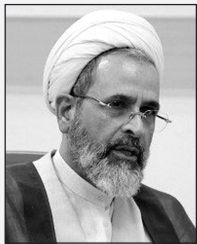
برخی سخنرانان دزد فضائل هستند؛ مگر این صدا و سیما در و پیکر ندارد؟!

زهرا را بشناسید. امام راحل فرمودند: بعد از پیغمبر اکرم (ص) و انبیا، جبرئیل بر کسی نازل نشد جز بر حضرت زهرا، یک همچین خانمی است، صحیفه فاطمیه دارد، بعد تو می‌گویی با علی مفاخره می‌کرد وای صد اوسیم‌ا تو هم پخش کنی ! باشد، دست درد نکند! !! صد اوسیم‌ا یادت رفته اینجا آواز می‌خوانند و زنان نیمه عربیان در تلویزیون می‌نشستند! به برکت خون شهید الان صد اوسیم‌ا افتاده در دست ما‌ها و ما هم اینطور می‌کنیم؟ باشد!»

این استاد اخلاق در ادامه انتقاد خود از رویه صد اوسیم‌ا گفت: «وای ! وای ! آدم چه خاکی به سرش بریزد! به قول یکی از دوستان آدم سرش را به چه دیواری بزند! باور کنید نمی‌دانم چه خاکی بر سرمان بریزیم! این صد اوسیم‌ا ز روی خون شهید رد شده و رفته است. در این صد اوسیم‌ا خانمی ظاهر می‌شد و با آستین حلقه‌ای برای مردم آواز می‌خواند، از برکت خون شهید او رفته و دیگری آمده که این هم متأسفانه دارد عقل و ایمان مردم را می‌گیرد و می‌دزدد. من بعضی‌ها رو توصیه می‌کنم گوش کنید، اما بعضی‌ها هیچ چیز ندارند. حالا شما ان شاءالله این روضه‌ها که می‌روید رعایت کنید که جای خوب بروید، به کثرت نگاه نکنید، کثرت مهم نیست. خدا رحمت کند، مرحوم مطهری جلسه‌هایش ۱۰۰ نفر مستمع نداشته است.»

آیت الله اعرافی مطرح کرد:

اهتمام روزافزون جامعه المصطفی العالمیه بر تقریب مذاهب اسلامی



آیت الله علیرضا اعرافی در دیدار حشمت الله فلاح پیشه رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی و هیئت همراه اظهارداشت: جامعه المصطفی

العالمیه همواره سپاسگزار همکاری های مجلس شورای اسلامی در ارتباط با فعالیت های این نهاد فاخر بین المللی است.

وی در ادامه ضمن ارائه گزارشی از فعالیت های جامعه المصطفی، با تأکید بر این که جامعه المصطفی از بازسازی و ادغام چندین نهاد فعال بین المللی در حوزه معارف الهی شکل گرفته، اظهار داشت: حضور ۵ هزار فارغ التحصیل از ۱۳۰ ملیت جهان و فعال سازی ایشان در حوزه های آموزشی، پژوهشی، فرهنگی و تربیتی عرصه های بین المللی از مهم ترین دستاوردهای جامعه المصطفی العالمیه به شمار می رود.

آیت الله اعرافی در ادامه با تأکید بر این که جامعه المصطفی با هزار واحد، موسسه و دانشگاه بین المللی در گستره جهانی ارتباط دارد، خاطرنشان کرد: جامعه المصطفی بیش از ۴۰ هزار اثر علمی را به ۴۰ زبان زنده دنیا تولید نموده است.

وی استواری نظام آموزشی، پژوهشی و تربیتی المصطفی بر شبکه سازی را از ظرفیت های المصطفی عنوان کرد و یادآور شد: حدود ۵۰ هزار نفر از طلاب و دانش پژوهان غیر ایرانی جامعه المصطفی در مراکز و مؤسسات این نهاد بین المللی مشغول فراگیری علوم و معارف ناب الهی هستند.

رئیس جامعه المصطفی در ادامه به گستره ترسیم رشته های دانشی در جامعه المصطفی اشاره نمود و اذعان داشت: چاپ و انتشار مستمر ۵۰ مجله و نشریه علمی و راه اندازی بیش از ۳۰۰ انجمن علمی و فرهنگی از دیگر ظرفیت هایی است که افق های روشنی را پیش روی جامعه المصطفی قرار می دهد.

وی شفاف سازی فعالیت ها و اخذ مجوز رسمی حضور در عرصه بین الملل را از سیاست های مهم جامعه المصطفی برشمرد و خاطرنشان کرد: ترسیم نظام آموزشی هوشمند و پیشرفته و نیز فعال سازی ۱۵ بعد علمی و پژوهشی از دیگر ظرفیت های ارزشمند این نهاد بین المللی است. آیت الله اعرافی جذب و پذیرش دانش پژوهان مذاهب مختلف اسلامی و ارائه محتوا بر اساس مبانی فقهی را از رویکردهای تقریبی المصطفی دانست و تصریح کرد: میزبانی جامعه المصطفی از پیروان مذاهب مختلف اسلامی، نشان از اهتمام روزافزون این مرکز دینی بر تقریب مذاهب اسلامی است.

مدیر حوزه های علمیه با اشاره به این که فارغ از بحث های جنجالی شکلی، به دنبال بازسازی و تعمیق زیرساخت های پاسخگویی و تأمین نیازهای معرفتی جوامع بشری هستیم، یادآور شد: در نظام آموزشی حوزه گرایش های مختلف علوم اسلامی هدفگذاری شده و زیرساخت های تحولی حوزه در عرصه های علمی، پژوهشی و آموزشی در حال شکل گیری است.

جامعه سادات؛ زمینه ساز ایجاد امت سالم محمدی

امت اسلامی شد.

دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی اظهار داشت: نقش سادات به عنوان ذریه رسول خداوند در شکل گیری جامعه عدل اسلامی یک سنت حتمی الهی است.

وی با بیان اینکه لازم است سادات همدیگر را بشناسند و باهم ارتباط برقرار کنند، افزود: اگر امر به معروف و نهی از منکر و انجام دیگر واجبات الهی ابتدا درون جامعه سادات شکل بگیرد به طور قطع این جامعه می تواند زمینه ساز ایجاد امت صالح محمدی شود.

وی خاطر نشان کرد: امیدواریم سادات همت کنند و راه و رسم رسول خدا (ص) که مهمترین میراث جد آنان است را در جامعه اسلامی زنده سازند.

دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی تصریح کرد: شکل گیری جامعه عدل الهی روی زمین قانونی دارد که آغازش از خلافت فردی شروع می شود به این معنا که خداوند شخصی را به عنوان جانشین خود در زمین معین می کند. وی ادامه داد: این انتخاب و مقرب کردن جانشین خدا روی زمین برای این است که خواست و اراده خداوند روی زمین اقامه شود.

عضو مجلس خبرگان رهبری افزود: قیام برای انجام امر خداوند را پیامبران انجام می دهند و در این راستا اولین کار آنان به وجود آوردن امت الهی است. آیت الله اراکی خاطر نشان کرد: ماموریت ایجاد امت وسط در میان انبیای الهی فقط به خاتم الانبیا حضرت محمد (ص) واگذار و این افتخار نصیب

دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی گفت: نقش سادات در شکل گیری جامعه عدل اسلامی یک سنت حتمی الهی است و به طور قطع جامعه سادات می تواند زمینه ساز ایجاد امت صالح محمدی (ص) باشد.

آیت الله محسن اراکی در همایش خیرکثیر در زاهدان اظهار داشت: این اجتماع و تمامی اجتماعات مربوط به تکریم ذریه رسول خداکاری تشریفاتی نیست.

وی با بیان اینکه مساله سادات موضوع کوچکی نیست، افزود: نباید اینگونه تصور کرد که این کار صرف احترام به سادات انجام می شود بلکه فراتر از آن و با هدف نزدیک شدن به تشکیل امت واحد اسلامی گرد همایی سادات تشیع و تسنن برگزار شده است.

فارغ التحصیلان دانشگاه مذاهب اسلامی؛ مروّجان تقریب بین مذاهب

علاقه مند به کار تقریب در همه مذاهب اسلامی، در آن شرکت کنند و در صورت قبولی، دانشجوی دانشگاه مذاهب شوند.

حجت الاسلام والمسلمی مختاری تأکید کرد: هدف اصلی و تمام تلاش این دانشگاه آن است که دانشجویانی که فارغ التحصیل می شوند، بتوانند در تقریب بین مذاهب، مبلغ و مروج خوبی باشند و به عنوان کارشناس در حوزه های علمیه یا مراکز دانشگاهی، مشغول فعالیت شوند.

رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی همچنین به ویژگی دیگر دانشگاه مذاهب اسلامی اشاره کرد و گفت: این دانشگاه دو حیث دارد. یک حیث دانشگاهی و آکادمیک و یک حیث حوزوی. بنابراین دانشگاه و یک موسسه علمی - آموزشی که تأمین کننده این دو هدف باشد، تا پیش از این وجود نداشته است. دانشگاه های فراوانی در کشور وجود دارند که در زمینه علوم انسانی قدم های مثبت و ارزنده ای را برداشته اند اما دانشگاه مذاهب اسلامی این ویژگی را دارد که در مباحث علوم انسانی - اسلامی، به نظریه پردازی مشغول می شود.

وی یادآور شد: دانشجویان این دانشگاه، در رشته های مختلف که مربوط به همه مذاهب اسلامی از اهل سنت و تشیع هستند، مشغول به تحصیل می شوند و پس از فارغ التحصیلی، به متخصصان و کارشناسان در حوزه علوم انسانی - اسلامی تبدیل می شوند که می توانند برای جامعه، آن اسلام ناب را که امام (ره) فرموده بودند به خوبی تبیین و تشریح کنند؛ آن اسلامی که منادی الفت و رفت و مهربانی است که انسان ها را به نور دعوت کرده و از ظلمت می رهاند.

حجت الاسلام والمسلمین مختاری افزود: کسی که دانش آموخته دانشگاه مذاهب است و سال ها در این دانشگاه زندگی مسالمت آمیز اسلامی را در کنار برادران دینی خود و در فضایی علمی تجربه

حجت الاسلام والمسلمین محمدحسین مختاری در دیدار با دکتر لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی اظهار داشت: این دانشگاه با رهنمون مقام معظم رهبری و در راستای تحقق اصول ۱۱ و ۱۲ قانون اساسی در سال ۱۳۷۱ با هیات امنایی وزین از جمله آیت الله شهید سید محمدباقر حکیم، آیت الله واعظزاده خراسانی و آیت الله محمدعلی تسخیری تأسیس شد. طی دیدار معظم له با اعضای هیات امنا، ماموریت این دانشگاه «گسترش تقریب گرایی و رفع تخصص های میان مسلمانان و ایجاد زمینه خوش بینی و تعامل پیروان مذاهب اسلامی» اعلام شده است؛ به طوری که معظم له در این دیدارها تأکید کردند که «از ابتدای انقلاب نیاز به چنین دانشگاهی وجود داشته است».

رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی خاطرنشان کرد: دانشگاه مذاهب اسلامی توانسته است در این مدت با تأسیس شعب دانشگاه در سنجند، بندرعباس و زاهدان، قم، بوشهر و گلستان در سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری تخصصی از میان برادران و خواهران چند نسل از دانش آموختگان با روحیه تقریبی را به جهان اسلام تحویل دهد که بسیاری از آنها هم اکنون کرسی های استادی بهترین دانشگاه ها را در اختیار دارند. بسیاری نیز از مدیران ارشد و متخصصان علمی - فرهنگی جمهوری اسلامی ایران محسوب می شوند و برخی نیز سمت های مهم دانشگاه را برعهده دارند. وی همچنین به شیوه پذیرش دانشجو در دانشگاه مذاهب اسلامی، مانند سایر دانشگاه های دولتی و روزانه از طریق شرکت در کنکور اشاره کرد و گفت: البته غیر از شیوه معمول پذیرش در دانشگاه ها، برگزاری آزمون جذب اختصاصی طلاب شیعه و اهل سنت است که در هر سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری برگزار می شود تا نیروهای برجسته، صاحب خلاقیت و ابتکار و

ایستادگی جبهه مقاومت در برابر فتنه غربی - صهیونیستی در منطقه

دبیرکل حزب الله لبنان محقق کند.

همچنین شیخ ماهر حمود در بخش دیگر سخنان خود تأکید کرد که شیعیان و اهل تسنن در یک کلمه با هم اتفاق نظر دارند و آن «مقاومت» است.

وی افزود: همه مسلمانان و افراد شریف باید در صف مقاومت قرار گرفته و با همه توان به حمایت از آن بپردازند. همگان باید به اتهام آفرینی بی پایه و اساس علیه مقاومت پایان داده و نسبت به تروریست خواندن آن به شدت برحذر باشند.

این عالم اهل تسنن تصریح کرد: سید حسن نصرالله در سخنرانی خود در روز عاشورا مواضعی به نمایش گذاشت که دولت ها از اتخاذ این مواضع عاجز مانده اند. وی اظهار داشت: وی دشمن صهیونیستی را تهدید کرد و بر این اساس شاهد هستیم که صهیونیست ها این تهدیدها را کاملاً جدی گرفته و در حال بررسی آثار این تهدیدها هستند.

شیخ ماهر حمود ادامه داد: مقاومت بر مفاهیم شهادت و عزت و کرامت کربلا تأکید دارند و این شعارها را به مرحله اجرا رسانده و در قهرمانی های آنان نمایان است.

رئیس اتحادیه جهانی علمای مقاومت گفت: هیچ اختلافی میان علمای مسلمان وجود ندارد و آنچه پس از ارتحال پیامبر اکرم (ص) رخ داد، اختلافاتی برگرفته از برداشت فقهی و عقیدتی است.

وی خاطرنشان ساخت: اختلافات مذهبی کنونی که روز به روز در حال افزایش است زمینه های تغذیه آمریکا و اسرائیل و غرب را فراهم کرده است.

شیخ ماهر حمود افزود: اختلافات مذهبی به هیچ وجه نباید بر مقاومت تأثیر بگذارد و بر مسائل بزرگی که مسلمانان بر آنها اتفاق نظر دارند، خدشه وارد کند.

شیخ ماهر حمود رییس اتحادیه جهانی علمای مقاومت لبنان ضمن حضور در مجلس عزای حسینی اباعبدالله الحسین (علیه السلام) گفت: در این دوره از تاریخ تنها مقاومت در لبنان، فلسطین، سوریه، عراق و یمن تمام قد در برابر فتنه کشورهای استکباری در منطقه ایستاده اند و مانند یک مکان خوش آب و هوا در وسط بیابان های عرب هستند. وی افزود: در حالی برخی موضوع عاشورا را بدعت می دانند که این نهضت سرشار از عزت و مقاومت بود و هیچ کدام از پیروان مذاهب توانایی انجام چنین کاری را ندارند.

این عالم اهل تسنن نابودی رژیم اشغالگر صهیونیستی را حتمی دانست و بیان داشت که خداوند وعده نابودی ظالمان را داده است و ان شاء الله خداوند متعال این وعده خود را به دست افرادی نظیر حجت السلام سید حسن نصر الله

نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی

دوهفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: سیدهادی خسروشاهی

سرمدبیر: سید محمود خسروشاهی

نشانی: قم / خیابان شهدا (مفاتیح) / نبش ممتاز

تلفکس: ۱۴۲۳۰۳۷۷۴ صندوق پستی: ۱۳۶ چاپ: ولیعصر

سایت‌های مرکز

مرکز بررسی‌های اسلامی: www.iscq.ir

استاد خسروشاهی: www.khosroshahi.org

کلیه شقوق: www.ketab.ir/shorrough

پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

گردآوری و منتشر کرده بود از چگونگی فعالیت‌های نخب و پایه‌گذاری «نهضت خداپرستان سوسیالیست» و همراهی‌اش با نهضت ملی شدن صنعت نفت و ملی‌گراها و آیت الله کاشانی و فعالیت‌هایش در آمریکا سخن می‌گوید.

خسروشاهی در بخشی از این نوشتار می‌نویسد: محمد نخب از آغاز زندگی اجتماعی خود با تشکیل جلسات خاص و تأسیس «نهضت خداپرستان سوسیالیست» و مبارزات سیاسی در دوران نهضت ملی در حزب ایران و حزب آزادی مردم ایران و سپس در نهضت مقاومت ملی و بعد در آمریکا، به مبارزه خود بر ضد استعمار و استبداد، زیر پرچم ایدئولوژی، مذهبی و در راه ایجاد یک نظام اسلامی، به طور خستگی ناپذیر، ادامه داد و از هر فرصتی برای پیشرفت و وصول به هدف استفاده کرد.

منبع: روزنامه سازندگی - ۲۰ شهریور ۹۷

خاطرات مستند استاد سید هادی خسروشاهی درباره دکتر سامی، مهندس چمران، مهندس بازرگان، دکتر سحابی، مهندس حسینی، مهندس سحابی، دکتر محمد نخب



انحصاری و در نتیجه بسیار ارزشمند است. نخستین فصل با اشاره‌ای به صفحه‌ای از تاریخ معاصر و یادای از مصطفی چمران آغاز می‌شود.

در بخشی از مقدمه این فصل می‌خوانیم: «مصطفی را من پس از کودتای ۲۸ مرداد، برای نخستین بار در مسجد هدایت که قرارگاه مبارزین مسلمان بود، دیدم و با او آشنا شدم. شرکت من از «حوزه علمیه قم» در

بعضی از جلسات انجمن اسلامی دانشجویان تهران، آشنایی و ارتباط ما را با چمران و دیگر یاران بیشتر کرد. تا آنکه حرکت زیرزمینی نهضت مقاومت ملی، برای افشای رژیم کودتا و مقاومت در برابر سلطه اجنبی، از طرف برادران مسلمان، در آن روز آغاز شد و از نگارنده نیز دعوت به عمل آمد که در جلسات دانشجویی آن در تجریش، کوی مقصود بیگ، منزل مرحوم آقای سید مهدی رضوی قمی شرکت کنم و من هر چند وقت یک بار که به تهران می‌آمدم، در این جلسات که بیشتر با شرکت مهندس باقر رضوی، مهندس عرب زاده، مهندس مصطفی چمران، مهندس طاهری و دیگران تشکیل می‌شد، حضور می‌یافتم و سپس در انتقال افکار «برادران» به حوزه علمیه قم و تجدید چاپ یا تکثیر و توزیع نشریات «درون گروهی» آنها در قم می‌کوشیدم، بدون آنکه خود، عضو رسمی نهضت یا مصدقی باشم.»

بخش پایانی کتاب درباره دکتر محمد نخب است. خسروشاهی که در دهه چهل، برخی مقالات دکتر محمد نخب را با عنوان «بشر مادی»

نوعاً پس از درگذشت آنها. در طول سی سال گذشته نوشته ام و تا امروز از نشرشان پرهیز داشتم، به امید آنکه آنها را تکمیل کنم و خاطرات و یادداشت‌های دیگری را با اسناد و عکس‌های بیشتر بر آنها بیفزایم و بعد به دست چاپ بسپارم اما متأسفانه مرور سریع زمان که «ناگهان» خیلی زود دیر می‌شود! و اشتغالات گوناگون و مسائل روزگار! مانع از

تحقق آرزو و رسیدن به هدف در این زمینه شد؛ و سرانجام با توجه به فرا رسیدن «بزرگسالی»! همراه با عوارض اجتناب ناپذیر آن، روشن شد که تکمیل آنها مقدور نخواهد بود. به همین دلیل تصمیم بر آن شد که آنچه قبلاً و در طول زمان‌های متفاوت نوشته شده است، به دست چاپ سپرده شود که بعضی‌ها گفته اند «وجود ناقص» بهتر از «عدم کامل» است! به امید آنکه اگر معجزه ای رخ داد و امدادی از غیب رسید، به تکمیل آنها بپردازم! آنچه اکنون در اختیار دوستان قرار می‌گیرد، به رغم حجم کم و دوری از اطناب و پرهیز از جعل حدیث و خاطره سازی، می‌تواند آگاهی‌های خاصی درباره شخصیت‌ها و عزیزان مورد نظر در اختیار قرار دهد. با این یادآوری که آنچه در این کتاب می‌آید، متن اصلی نوشته‌های پیشین است و فقط ویرایش کوتاهی به عمل آمده تا به اصطلاح دوستان «آتلاین» شود. تعدادی عکس و سند نیز که از حوادث دهر مصون مانده است، در آخر کتاب خواهد آمد که بعضی از آنها از لحاظ تاریخی مانند نامه‌های مراجع وقت به آیت الله طالقانی

کتاب خاطرات مستند سید هادی خسروشاهی درباره دکتر سامی، مهندس چمران، مهندس بازرگان، دکتر سحابی، مهندس حسینی، مهندس سحابی، محمد نخب توسط انتشارات کلبه شروق قم به تازگی وارد بازار کتاب شده است.

این کتاب که متعلق به مجموعه «حدیث روزگار» از همین نشر است در هفت فصل که هر یک از فصول به یکی از شخصیت‌ها اختصاص داده شده، تنظیم شده است، کتاب حاضر هجدهمین کتاب از مجموعه خاطرات مستند خسروشاهی است که تاکنون به چاپ رسیده است. تألیفات و آثار هادی خسروشاهی به زبان فارسی و عربی (علاوه بر صدها مقاله در نشریات اسلامی ایران و جهان اسلام) منتشر شده است. آثار وی که بالغ بر هشتاد جلد می‌شود، بیش از چهل جلد آنها تاکنون بارها در داخل و خارج کشور چاپ شده است. علاوه بر تألیفات و ترجمه‌ها، ۱۲۰ جلد کتاب دیگر نیز با تحقیق، توضیح یا مقدمه و اشراف وی در ایران، ایتالیا و مصر چاپ و منتشر شده است.

سید هادی خسروشاهی درباره محتوای مجموعه «خاطرات مستند» در مقدمه کتاب نوشته است: «آنچه در این کتاب به عنوان «خاطرات مستند» در مقدمه کتاب می‌آید، در واقع خاطرات و یادداشت‌های کوتاه و پراکنده ای درباره چند نفر از شخصیت‌های علمی، سیاسی و متدین معاصر است که در طول بیش از نیم قرن، یعنی از سال ۱۳۳۲، با آنها حشر و نشر، گفت و گو و بحث داشتم و با بعضی از آنها در سفرهای متعدد همراه بودم. هر بخشی از این مجموعه «خاطرات مستند» را در زمان‌های مختلف و

تازه‌های نشر: مرکز اسناد انقلاب اسلامی

و شرع مقدس شکل گرفته است. اصول استقلال، آزادی، عدالت و پیشرفت بر مبنای اسلام از اصول اصلی نظام جمهوری اسلامی بوده و رویکرد آرمانی این نظام، ایجاد تمدن نوین اسلامی است.

۳. دستاوردهای فرهنگی انقلاب اسلامی: در

این کتاب سعی شده بعد از مروری اجمالی به معنا و مفهوم فرهنگ و تبیین نگاه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری نسبت به این مقوله، دستاورد انقلاب اسلامی در ایران و سپس منطقه و کشورهای جهان از بُعد فرهنگی مورد مذاقه قرار گیرد تا تأثیرات شگرف و مهم آن تعیین گردد.

۴. قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران و بیداری

اسلامی: «امروز شما چه بخواهید، چه نخواهید، چه خودتان بدانید، چه ندانید، چه تصدیق کنید یا نکنید، برای بسیاری از ملت‌ها الگو و اسوه شده اید. این بیداری اسلامی که مشاهده می‌کنید چه بگوییم، چه نگوییم، چه به رو بیاوریم، چه نبیاوریم، چه دیگران به رو بیاورند، چه نبیاورند، اثر گرفته از حرکت عظیم ملت ایران است. این انقلاب عظیم این انقلاب بزرگ، این تحول بنیان برافکن سنت‌های طاغوتی و نظام طاغوتی و نظام سلطه، ملت ایران را به یک اسوه تبدیل کرد.» مقام معظم رهبری

۵. دست‌خدا بر نقاب (بازجستی بر کودتای نقاب

(نوزه)): گستردگی شبکه ی کودتا، نفوذ کودتاگران در اطلاعات ارتش و همکاری حداقل دوتیم از گروه تعقیب و مراقبت ارتش با آنان، به گونه ای که این کودتاگران توانسته بودند قبل از شروع عملیات و تا آخرین روزها

۱. بهائیان نظامی در حکومت پهلوی دوم:

یکی از مباحث مهم تاریخی حکومت پهلوی دوم، حضور فعال و تأثیرگذار بهائیان در ارتش شاهنشاهی است که از بدو تشکیل این حکومت تا آخرین روزهای حیات آن با قوت ادامه داشت. رشد

و ارتقاء حداقل ۴۵ نفر از بهائیان نظامی به درجات بالای نظامی و قرار گرفتن در سلسله «تیمساران شاهنشاهی» موضوعی نیست که بتوان به سادگی از کنار آن عبور نمود. به خصوص آنکه، حضور این عده در رأس هرم ارتش، با توجه به درجه و شغل آنها و خصوصاً دیدگاه آنها نسبت به کشور به طور حتم منشأ تأثیرات غیرقابل انکاری در امنیت ملی ایران بود. در این اثر به موضوعاتی همچون اشتغال بهائیان در حکومت پهلوی دوم، عملکرد بهائیان نظامی در حکومت پهلوی جایگاه «نظامی گری» در فرقه ی بهائیت، آشنایی با تعدادی از بهائیان نظامی و حضور آنها با هدف نفوذ پرداخته شده است.

۲. دستاوردهای سیاسی انقلاب اسلامی:

انقلاب اسلامی با شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» در ایران به پیروزی رسید و مهم‌ترین دستاورد این پیروزی، فروپاشی نظام سلطنتی و دیکتاتوری طاغوت و برقراری حاکمیت ملی با استقرار نظام مردم

سالاری دینی با عنوان «جمهوری اسلامی» بود. همچنین قانون اساسی جمهوری اسلامی از بزرگ‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی است ساختار حکومتی و قدرت در جمهوری اسلامی با محوریت ولایت فقیه، حقوق مردم و مبانی اسلامی بر پایه ی آموزه‌های دینی



به فعالیت مخفی خود ادامه دهند. نشان می‌دهد که سازماندهی کودتا آن گونه که آیت محقق تصویر می‌کرده، ضعیف نبوده است. علاوه بر این، شرایط آغاز انقلاب به ویژه برخورددار نبودن حکومت نوپای جمهوری اسلامی از تشکیلات اطلاعاتی، میزان موفقیت کودتاگران را افزایش می‌داد. شاید بتوان گفت که کودتای نافرجام ۱۸ تیر ۱۳۵۹ از نظر سازماندهی دست کمی از کودتاهایی که به پیروزی کودتاگران می‌انجامید، نداشت. سازماندهی این کودتا به مراتب قوی‌تر از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بوده است.

۶. زندگی نامه و خاطرات امیر عبدالله

کرباسچیان: در سال ۱۳۲۵ اولین شماره روزنامه ای به نام «خندنگ» را منتشر کرد. آن موقع ۲۲ سال داشت و قانوناً نمی‌توانست روزنامه ای داشته باشد. او با همین خندنگ از آبان سال ۱۳۲۶ شروع کودتا به حکومت هژیر رسید. آن نشریه را به طور

هفتگی منتشر می‌کرد که اتفاقاً مرحوم آقای نواب هم در آن خندنگ مقالاتی داشت. فعالیتش در خندنگ جنبه جمعیتی و تشکیلاتی داشت. روزنامه ی خوبی بود و از تیرهایی که هیچ وقت فراموش نمی‌شود مربوط به مسئله ی «حجاب» که تمام صفحه ی اول را تیتیر «حجاب از ضروریات دین مقدس اسلامی است» بود. این مقاله ی «حجاب» در روزنامه ی «خندنگ» زمانی چاپ شد که مرحوم نواب از مشهد برگشته بود و فدائیان اسلام، درهای مسجد شام (امام) را از سه طرف به روی زن‌های بی حجاب بستند. کسبه ی بازار هم اعلامیه زدند

که به زنان بی حجاب جنس فروخته نمی‌شود...

۷. مرزبان (زندگی نامه شهید قرنی): برهه ی

مهم زندگی سیاسی قرنی مبارزه ی هوشمندانه ی وی با مهار نیروهای تجزیه طلب و عدم انعطاف وی در برابر آنها بود. وقتی حوادث سال ۱۳۵۷ و بعد از آن را در کردستان و آذربایجان غربی بررسی می‌کنیم به

خوبی روشن می‌شود که قرنی موضع درست انقلاب را تشخیص داده و از همان ابتدا در برابر نیروهای تجزیه طلب با مواضع قاطع و جدی ایستادگی کرد. ولی با کامیابی گروه‌ها در اقناع مهندس بازرگان در برکناری سرلشکر قرنی، موج شدید خلع سلاح پادگان‌ها و توزیع اسلحه در کردستان و آذربایجان غربی آغاز شد و پیامدهای سختی را بر جمهوری اسلامی تحمیل کرد.

۸. محمدتقی شریعتی و کانون نشر حقایق

اسلامی: اشغال ایران در جنگ جهانی دوم و پیرو آن هجوم ایدئولوژی‌های بیگانه، شرایطی را فراهم ساخت تا تفکر نوین دینی از تقابل میان آن ایدئولوژی‌ها و گفتمان دینی مسلط بر جامعه به وجود آید. در مشهد این تفکر دینی توسط محمدتقی شریعتی

مزبانی ابراز شد و توسط پیروانش با تأسیس مؤسسه ای به نام کانون نشر حقایق اسلامی به منصفه ی ظهور رسید. استاد محمدتقی شریعتی و پیروانش به مدت نیم قرن در کانون به فعالیت فرهنگی. سیاسی اجتماعی پرداختند. این اثر به تشریح عملکرد استاد و پیروانش، خاصه در عرصه ی سیاست و نقش آنها در به وجود آمدن و شکل‌گیری انقلاب اسلامی با بهره گیری از اسناد مختلف می‌پردازد.

